



اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره  
شهادت مجاهد خلق  
دکتر احمد طباطبائی

در صفحات دیگر  
● کشتار مردم بی دفاع کرمانشاه و دزفول  
● وصیت نامه مجاهد شهید طباطبائی  
● زندانی سیاسی در جبهه جنگ مقاومت

سال دوم - فوق العاده - سند دهم آبان ۵۹ - شماره ۲۵ رباع  
در صفحه ۱

گزارش به خلق قهرمان ایران:

# مجاهدین خلق در جبهه های مقاومت

مقدمه:

پس از شروع تجاوز آشکار عراق به ایران و طغیان انقلابی حکم می کرد که در کنار سایر مردم به دفاع از مردم و میهن بپردازیم. طبعی است که در این مسیر نفس مقاومت و رفع خاور برای ما از اهمیت و برتری برخوردار بود. گویانکه در کنار مقاومت نظامی و بردمی، گزارش

جبهه های جنگ، عملکرد انقلابی و غیر-انقلابی نیروها و کارکنانها و محاصرات انحصارطلبانه و همچنین گزارش عملکردهای نیروهای سازمان از اهمیت و برتری برخوردار بود. ولی تلاش می کردیم که نا آجا که به ما مربوط می شود به آنها مقاومت بکارجه خلق را محدودش نکنیم بلکه با برخورداری مسئولانه و حتی تحمل

میان مردم برافروختند. انسان بنا بدست عوام فریبانی خود از به باری گرفتن عواطف پاک مقاومت طلبانه مردم در قبال تجاوز فروکراز بگردید. برای انسان ارزش کلاستان به نه اطلاق آن با وانعت و حقیقت، بلکه انطباق با سابع حفر سنگ نظرات انسان مسخ می بود.

تقدیر صفحه ۳

## بیانیه مجاهدین خلق در رابطه با تجاوز عراق

هموطنان مبارز، مردم دلیر و آگاه ایران: در حالی که جنگ بین عراق و ایران بیست و یک روز گذشته و بدون این که در چشم انداز موجود نشانه ای از قطع و توقف نهایی آن در بین باشد می رود تا با تبدیل شدن به یک جنگ فرسایشی نیروها، امکانات و مقدرات مختلف دو کشور را هرچه بیشتر تحلیل برده و موج شادمانی هرچه بیشتر صهیونیسم و امپریالیسم جهانخوار آمریکا گردد، مجاهدین خلق ایران در پی موضع گیری های قبلی خود منتهی به محکوم نمودن تجاوز عراق و شرکت در دفاع از میهن و مردم (که طی اعلامیه های قبلی بیان شده) و به دنبال آن شرکت فعالانه سازمان در مقدم ترین سنگرها به ویژه در شهرهای خرمشهر و آبادان در دفاع از توده ها و منافع آنها، اینک لازم می دانند در ورای تبلیغات مختلفی که برای ابواج سپردارگریها از این جنگ بعمل بیاید نکات دیگری را درباره ی جنگ و موضع گیری صحیح و انقلابی در قبال آن با خلق ستمدیده و قهرمانان در میان بگذارد.

اگر چه ممکن است بیان برخی مسائل طبق معمول مورد سپردارگری ارتجاعی جریانها و محافل معلوم الحالی که هیچگاه جز در دایره ی تنگ منافع و قدرت طلبی خود نمی اندیشند قرار بگیرد، لازم است این واقعیات با مردم رزمنده و هوشیار ایران در میان گذاشته شود تا همگان در این شرایط حساسی که بر میهن رخن حورده و مردم رنج دیدنی ما می گذرد با هوشیاری و آگاهی هرچه بیشتر قدم برداشته و در برابر مسائل مختلف مواضع صحیح اتخاذ کنند.

قبل از هر چیز باید یادآور شویم که سیاست تجاوزگرانه ی استبداد یعنی حاکم بر عراق، که به دلیل توسعه طلبی های ارتجاعی درگیری های مرزی را به چنین جنگ تمام عیاری بر علیه میهن و مردم ما تبدیل کرده شدیدا محکوم است چرا که رژیم عراق با این اقدام ندهتها جان و مال انبوهی از توده های رنجکش ایرانی و عراقی را به نابودی کشاند و نه تنها خود در جبهه های متشکل از کشورهای ارتجاعی منطقه قرار گرفت بلکه مانعی جدی نیز در مسیر مبارزات ضد امپریالیستی خلق های منطقه ایجاد کرد و تلاشها و کوششهای آنها را در مسیری انحرافی به نفع امپریالیسم و صهیونیسم به هدر داده و می دهد. و در این میان به ویژه امکانات و نیروهای آزاد شده خلق قهرمان ایران را که پس از شکست دیکتاتوری پهلوی می بایست با تمام توان در مسیر ضد امپریالیستی بکار گرفته شود در جنگی ناخواسته درگیر نمود) و با زمینه سازی برای تثبیت امپریالیسم استبداد جهت جذب ایران به سمت جهان سرمایه داری غرب انقلاب ایران را با یک خطر جدی مواجه ساخت.

مردم مبارز و خلق قهرمان ما که با سالها مبارزات پی گیر خود رژیم ضد خلقی شاه نوکر سپرداری آمریکا را سرنگون کرده و ضربه ای کاری بر امپریالیسم جهان خوار آمریکا در منطقه ی حساس خاورمیانه وارد آوردند از همان ابتدا می دانستند که دشمن اصلی این خلق ستمدیده و تمام خلق های تحت ستم امپریالیسم جهان خوار به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. و نیز می دانستند که با بیرون راندن شاه و سرنگون کردن رژیم وابسته سلطنتی مبارزات رهایی بخش خلق به پایان نرسیده و باید تا نابود کردن تمامی پایگاهها و آثار سلطنتی امپریالیسم در این میهن به

## گزارشی از مراسم تشییع جنازه مجاهد شهید دکتر احمد طباطبائی

دوسه سحیح آماناه مراسم از محاهدین خلق در تهران برپا  
شکوه تسع جنازه ی شهیدی دیگر  
تقدیر صفحه ۱۰



گوشه ای از سوه جمعیت سوگوار  
در مراسم آخرین روز دنیا مجاهد شهید دکتر احمد طباطبائی

## چرا تحویل شرکت در دفاع را خواستار شدیم؟

همچنان که انتظار می رفت جنگ ایران و عراق نیز برای جناح های بفره افکن و انحصارطلب، مانند تمام سکتها و بیروزی های بعد از فام ۲۲ جیم، وسطدای شد برای سرازیر کردن سبل بهمتها و افتراها بر علیه نیروهای انقلابی و به ویژه سازمان مجاهدین خلق ایران با بلکه در سایه ی دامن زدن به احساسات برخی افسار ناآگاه بر علیه نیروهای انقلابی، ضعفها و نشت های داخلی خودشان را سربوش گذارند.

اینها که گوئی می توانند در روز روشن منکر وجود خورسند شوند نه تنها طبق معمول تهمتهایی از قیل سنون پنجم و ... را نثار نیروهای انقلابی کردند بلکه ما را سربوشی تمام در حالی که سازمان ما از اولین روزها در صفوف مقدم سنگرهای دفاع بر علیه تجاوز یعنی در کنار توده های مردم

## مجاهدین خلق ایران - شاخه خوزستان شهادت ۹ تن از خواهران و برادران مجاهد، در جنگ مقاومت در برابر نیروهای متجاوز عراقی راه اطلاع عموم می رسانند

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا  
از مومنین / به خدا و منی تکامل / کسانی هستند که نسبت به پیمان ما خدا صداقت ورزیده و به آن وفا می نمایند. پس برخی از ایشان بیامان را بدرستی به پایان برده و برخی ما ارادفای راسخ به انتظار انجام رسالت خویند و در ایمان و تعهدشان / نسبت به خدا و خلق / هیچ درگونی و تبدیلی راه ندادند.

مهمترین درس از  
مقاومت های  
قهرمانانه  
خونین شهر  
و آبادان

خونین شهرو آبادان روزهای سوالی است که ما حداقل امکانات در مقابل فشار سنگین نیروهای متجاوز مقاومت می کرد. باید اگر این دو شهر در روزهای اول اشغال شده بود امروز صحنه ی جنگ و مقاومت شکل دیگری داشت.

این تنها نمونه نیست. اساسا وقتی کنوری بهر دلیل مورد تجاوز قرار می گیرد، به این خاطر که ارزش های مادی و معنوی آن سرزمین که گاه چندین نسل برای بوجود آوردن و بازوری آن زحمت کشیده اند مورد

## زمان و شکل بررسی مسئله گروگانها

امروز که تربت نکسال از ماجرای جاسوخانه ی آمریکا و مسالده ی گروگان گیری می گذرد، بررسی سرانجام آنها جددا" به مسئله ی مهمی در فضای سیاسی ایران و هم چنین در سطح سیاسی المللی تبدیل شده است. آنچه که در این میان به بررسی این امر و بزرگی خاصی می بخشد شرایطی است که بررسی در آن صورت می گیرد.

تقدیر صفحه ۱۱

# بیانیه مجاهدین خلق در رابطه با تجاوز عراق

تقیه در صفحه اول

ما بزرگوار و انقلاب آماده دهنده و این درک و قصد انقلابی خود را در شعار "بعد از شاه نوبت امریکا است" بیان می‌کردیم. بدیهی است که تحقق عملی این شعارهای رهاشی بخش و ادامه‌ی یک مبارزه‌ی اصولی و انقلابی بر علیه امپریالیسم امریکا نیازمند اتخاذ سیاست‌های انقلابی در کلیه زمینه‌ها اعم از داخلی و خارجی از طرف رژیم جمهوری اسلامی و مسئولین امور بود که بدون هیچ‌گونه هوشیاری و آگاهی و مسلح بودن به یک بینش سیاسی و ایدئولوژی انقلابی را ایجاب می‌کند. چرا که می‌دانیم دشمن غدار و مجرب خلق ما یعنی امپریالیسم امریکا با وجود این که در برابر مبارزات بی‌امان مردم مجبور به عقب‌نشینی شده و به قربانی کردن رژیم شاه تن داده بود، هرگز از موقعیت و اهمیت استراتژیک این میهن و منافع حیاتی که در آن برای خود قائل است غافل نبوده و هرگز در نظار چیزی از این اهمیت گام ننهاده بود، بنابراین کاملاً بدیهی بود که امپریالیسم امریکا آنگاه از توطئه‌چینی علیه انقلاب و خلق و میهن ما فروگذار نگردد و با تمام قوا و با تکیه بر تمام حیل‌ها و سیاست‌ها سعی خواهد نمود تا دوباره طوق اسارت و وابستگی را بر گردن این میهن و مردم مستحکم کند.

دو کشور ایران و عراق و موضع‌گیری‌های امریکا در رابطه با جنگ نشان می‌دهد که امپریالیسم نه تنها دست از توطئه‌چینی بر علیه انقلاب رهاشی بخش خلق ما برنداشته بلکه می‌کوشد تا از زمینه‌های مساعدی که این جنگ ایجاد کرده در جهت ضربه زدن به انقلاب و فراهم کردن مقدمات سازش و وابستگی مجدد کشور ما حد اکثر استفاده را بکند بی‌جهت نیست که ما در این اواخر شاهد تغییر در لحن مقامات امریکا از قبیل گارتور و مانسکی در جهت به اصطلاح طرفداری از ایران می‌باشیم و مثلاً ضمن "شاره‌میزوراند" متجاوز عراقی "گارتور" و "تراق" را مسئول جنگ دانستن / مانسکی / برای تمامیت ارضی ایران دل می‌سوزاند و از تحویل سلاح و وسایل یدکی و... به ایران در صورت آزادی گروگان‌ها دم می‌زند (در این رابطه اظهارات نماینده امریکا در شورای امنیت سازمان ملل قابل توجه است). در چنین رابطه‌ای است که جنگ ایران و عراق با توجه به می‌آمده‌های داخلی آن برای کشور ما (و حتی هر دو کشور ایران و عراق) ارحاسیت و اهمیت ویژه‌ی وجهه با سرسختی از بهر وجود در می‌شود.

**بی‌جهت نیست که ما در این اواخر شاهد تغییر در لحن مقامات امریکا از قبیل گارتور و مانسکی در جهت به اصطلاح طرفداری از ایران می‌باشیم.**

اینک یک ماه از جنگ تمام عیار ایران و عراق می‌گذرد. جنگی که بر اساس پاره‌های اختلافات و تمادها و در ادامه یک سری تحریکات و برخورد‌های موضعی و مقطعی اینک ایجاد گسترده و پی‌آمدهای خطرناک به خود گرفته است. "فلس جنگ" و ارزیابی این ساله که این جنگ تا چه حد اجتناب‌ناپذیر یا قابل اجتناب بود فعلاً "مسأله‌ی مردم ما نیست و از آن می‌گذریم اگرچه این سوال بجای خود باقی است که آیا اختلافات ایران و عراق نمی‌توانست در مسیر برخورد‌های دیگری از سوی طرفین و با پرهیز از تحریکات متقابل و رعایت اصول مسلم عرف و قوانین بین‌المللی به سرانجامی جز جنگ منتهی شود؟ و به خصوص جدا" ناید سوال نمود که آیا ایران نمی‌توانست از همان ابتدا با اتخاذ سیاستی انقلابی و هوشیارانه و با اعلام این که تحت هیچ عنوان (منجمله صدور مکانیکی انقلاب) قصد تحریک و دخالت در امور داخلی دیگران را ندارد (ضمن این که اجازه‌ی دخالت در امور داخلی خود را نیز به دیگران نخواهد داد) بیهانه به دست عراق ندهد؟

آیا ایران نمی‌توانست با اتخاذ یک سیاست افشاگرانه‌ی فعال در سطح جهانی جلو تحریکات حکومت عراق را بگیرد و آن را چه در سطح جهانی و چه در داخل خود منزوی کند به طوری که یاری جنگ و هجوم و تجاوز نداشته باشد؟ آیا ایران نمی‌توانست با فعال کردن کنفرانس کشورهای غیر متعهد و به خصوص سازمان آزادی‌بخش فلسطین و شخص باس عرفات از بروز این جنگ جلوگیری نماید و یا لاقبل بیهانه‌های تجاوز را از دست عراق بگیرد؟

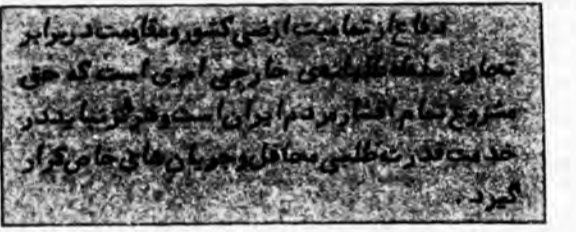
روشن است که هیچ ملت و نیروی انقلابی از جنگ نمی‌گریزد و این سوال‌ها به معنی ترس و پرهیز از جنگ نیست. ولی جنگی صد درصد قابل پذیرش و استقبال است که جنگی انقلابی بوده و نتایج آن بر علیه شیطان بزرگ، امپریالیسم جهانی خوار امریکا و فرزند نامشروع آن صهیونیزم جنایت‌کار و به نفع خلق‌های تحت ستم تمام شود. جنگی که دیگر واقعا اجتناب‌ناپذیر و در جهت برانداختن مطلق جنگ و پیروزی و استقرار صلح نهایی باشد. اما آیا می‌توان گفت که جنگ ایران و عراق به نفع خلق‌های ایران و عراق و نه به سود امپریالیسم و صهیونیزم تمام می‌شود؟ البته واضح است که دفاع عادلانه در برابر تجاوز سلطه‌طلبانه از مواضع انقلابی کاملاً "قابل قبول و تایید گردنی است. اما چنان که گفتیم برکسی پوشیده نیست که رژیم بعثی حاکم بر عراق که به ناگهان به درگیری‌های محدود مرزی ابعادی بدین گسترده‌ی بخشید و مرتباً با ژست‌های دیپلماتیک از عدم سونیت و از این که قصد تجاوز و چشم‌داشت ارضی ندارد دم می‌زند از این جنگ هدف‌های ارتجاعی توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه در دنبال می‌کند. روشن است که هیچ سنجشی هم بین این سیاست و چنین آب به آسیاب صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها ریختن با دعای رژیم عراق مبنی بر مترقی و مردمی و ضد امپریالیست و ضد صهیونیست بودن وجود ندارد.



اگر چنان که عراق به طوری که خود ادعا می‌کند واقعا قصدش پایان دادن به تحریکات از طرف ایران و حتی فیصله‌دادن به اختلافات ارضی بود می‌بایست به راه و روش‌های اصولی مسالمت‌آمیز متوسل شده و به طرق سیاسی و دیپلماتیک در صدد حل مسائل بر می‌آمد. اگر عراق حسن نیت داشت و پای بند روش‌های اصولی و مترقی در حل مسائل بود، دیگر به هیچ وجه نیازی به سیاست مامن و پناگاه ضد انقلابی و سلطنت طلبان خائنی چون پالیزبان و امثال وی نبود. ولی واقعیت اینست که عراق علی‌رغم ادعاها و بازی‌های دیپلماتیکش بعد از سقوط رژیم شاه زمینه را برای تحقق رویای توسعه‌طلبانه دیرینه‌اش در منطقه مساعد تصور کرده و با دستاویز قرار دادن مطالبی مانند تحریک و دخالت ایران در امور داخلی عراق و یا عدم اجرای قرارداد الجزایر به تجاوز نظامی علیه میهن و مردم ما مبادرت کرده و توده‌های بی‌دفاع و بی‌گناه مردم را نیز به آتش و خون کشیده است. با نگاهی به حامیان مرتجع و وابسته‌ی عراق در این تجاوز نظیر اردن و عربستان سعودی به سادگی می‌توان قضاوت نمود که رژیم بعثی عراقی (بی آنکه مدعی باشییم مهره و سرپرده‌ی امریکا است) در این جنگ در خط امپریالیسم امریکا قرار گرفته و با بکار انداختن و تحلیل بردن قدرت نظامی عراق در جنگ

علیه ایران (به جای بکار گرفتن آن علیه اسرائیل) در خدمت منافع امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها درآمده است و به جرات می‌توان گفت که خود نیز از این تجاوز طرفی نخواهد بست چرا که اگر هم عراق بتواند (مادامی که سرسپرده و آلت دست تمام و تام امریکا نشده) امپریالیسم امریکا بدان اجازه نخواهد داد تا به صورت قلمب قدرتمند منطقه‌درازد. اهداف و انگیزه‌های نامشروع عراق از قبیل توسعه طلبی منطقه‌ای و دعاوی ارضی و عملگردهای ارتجاعی آن از قبیل پناه دادن و حمایت از ضد انقلابیون ایران و تجاوز نظامی به خاک میهن ما به هیچ وجه قابل انکار نبوده و شد - برود و محکوم است و لذا نیروهای انقلابی در ایران می‌بایست با شعار "کلیدی تلاش‌ها و سلاح‌های خلق‌های ایران و عراق بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم" در کنار مردم و نیروهای مردمی قرار گرفته و به دفع تجاوز و دفاع از میهن و مردم بپردازند. در جهت سازمان دادن مقاومت توده‌های وسیع مردم نهایت کوشش خود را بکار گیرند

بدیهی است که مسئولین حکومتی نیز می‌بایست با پرهیز از هروغ تنگ نظری و انحصارطلبی و جانم دادن به تمام تفرقه‌های درونی میهنی شرکت فعال کلیدی نیروهای مردمی را در یک مقاومت همه‌جانبه علیه تجاوز عراق و دفاع از میهن و مردم فراهم کنند چرا که دفاع از تمامیت ارضی کشور و مقاومت در برابر تجاوز سلطه‌طلبانه‌ی خارجی امری است که حق مشروع تمام اقشار مردم ایران است و هرگز نباید در خدمت قدرت - طلبی محافل و جریان‌های خاص قرار بگیرد که متأسفانه تاکنون قدم شستی در این زمینه برداشته نشده است و به عنوان مثال، نیروهای وابسته به سازمان مجاهدین خلق در مناطق جنگی علاوه بر این که از طرف مسئولین هیچ‌گونه مساعدت نشده و از کمترین امکانات نظامی جهت



انجام وظایف خود محروم مانده‌اند. در مسیر اقدامات دفاعی و مردمی با بکار گرفتن امکانات محدود خود نیز انواع مزاحمت‌ها و اشکال - تراشی‌ها مواجه شده‌اند و در همان حال در صحنه‌ی سیاسی نیز تبلیغات مسموم بر علیه مجاهدین به خصوص از طرف برخی عناصر همچنان ادامه دارد. جالب است که در این تبلیغات مجاهدین خلق برکنار از صحنه‌ی نبرد قلمداد می‌شوند در حالی که تقریباً کلیدی مسئولین به جهت مزاحمتی کذب ایشان غدد و بعضی نیز خود از نزدیک شاهد حضور و فعالیت مجاهدین در صحنه‌ی نبرد بوده‌اند و از حضور فعال مجاهدین خلق در صحنه آگاه‌دهنده یا زهم باید گفت که متأسفانه این مقامات و

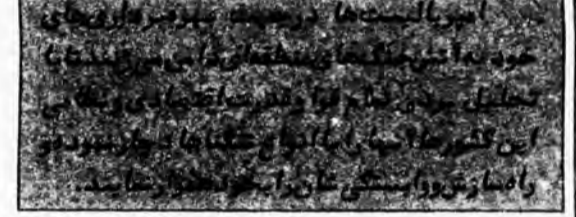
**نیروهای وابسته به سازمان مجاهدین در مناطق جنگی علاوه بر اینکه از طرف مسئولین هیچ گونه مساعدت نشده و از کمترین امکانات نظامی جهت انجام وظایف خود محروم مانده‌اند، در مسیر اقدامات دفاعی و مردمی با بکار گرفتن امکانات محدود خود نیز با انواع مزاحمت‌ها و اشکال - تراشی‌ها مواجه شده‌اند.**

مسئولین نیز علی‌رغم مزاحمت مکرری که به ایشان شده تاکنون مساعدتی به نیروهای ما نکرده‌اند و بدین ترتیب می‌بینیم که حتی در این شرایط حساس و خطیری که بر این میهن می‌گذرد، بازهم انحصارطلبان دست از تفرقه‌افکنی و ضدیت با نیروهای انقلابی برنداشته و با طرح عدم شرکت نیروهای انقلابی به انواع بهره‌برداری‌های ارتجاعی از جنگ نیز می‌پردازند.

لازم بدتذکر نیست که این معارفت‌ها و توضیحات به هیچ وجه نباید مانع انجام وظایف و مسئولیت‌های مردمی نیروهای انقلابی شود و این نیروها می‌بایست بی‌آن که از مانده‌ی این قبیل برخورد دلسرد شوند از هرگونه فعالیت و اقدام منهن در هر زمینه غفلت نورزند. بدیهی است که کار توضیحی برای مردم و بالا بردن آگاهی سیاسی آنها نیز به خصوص با توجه به مسائلی که در صحنه و جریان عمل پیش می‌آید نباید فراموش شود تا انحصارطلبان با توجه به این که عملگردهای آن‌ها به هر حال سازمان اجتماعی خود را پیدا می‌کند اقلاً "تا آنجا که به افکار عمومی احترام و بها قائل هستند از مبادرت به اقدامات غیر مردمی و غیر انقلابی پرهیز کنند.

اما مهم‌ترین مسأله‌ای که در این جنگ و در پی آن باید مورد توجه نیروهای مترقی و انقلابی قرار بگیرد، مواضع و اهداف امپریالیسم و انواع بهره‌برداری‌هایی است که امریکا از این جنگ در صدد آن است که چرا که می‌دانیم امریکا به عنوان دشمن اصلی خلق ما و خلق عراق و تمام خلق‌های تحت ستم جهان نسبت به هیچ جنگی بی‌توجه و بی‌تفاوت نیست و حتی دست آن را می‌توان در پس کلیه منازعات و جنگ‌ها مستقیم و غیر مستقیم مشاهده کرد. چنان که قبلاً "شاره‌کردیم امپریالیسم امریکا مترصد است تا در ادامه‌ی جنگ و با استفاده از تنگناها و مسائلی که برای کشورهای درگیر پیش می‌آورد آنها را به خود جذب کرده و به تسلیم و سازش در برابر خود و وابستگی به خویشاوار دارد. از همان آغاز جنگ کاملاً روشن بود که امریکا از بروز این جنگ کاملاً "خشنود است چرا که مطابق تجارب حاصل از چنین جنگ‌هایی حداقل یکی از طرفین را در نهایت مجبور به حرکت به سمت سازش با امپریالیسم امریکا می‌بیند و کاملاً "قابل درک بود که امریکا به عنوان

نیز به خوبی این حقیقت را دریافته و در نتیجه آماده بودند که متحدان تمام کوشش خود را علیه آن بکار گیرند برای امریکا نیز اولین و مهمترین مسأله این بود که به انحاء طریقی خود را از این موقعیت (موقعیت دشمن اصلی) و از معرض ختم خروشان و انقلابی خلق به دور داشته و حتی اگر نتواند خود را دوست ملت ما قلمداد نماید. در مسیر چنین سیاستی امریکا سعی کرده و می‌کند تا خود را با ژست‌های دوستانه و به ویژه از طریق شخصیت‌ها و دولتمردان هوادار غرب و امریکا به رژیم جدید نزدیک نموده و تا آنجا که ممکن باشد بتواند از رودررویی و فشار مستقیم پرهیز کند (به خاطر بی‌تائید انقلابی مردم) و تمام سعی و سیاست خود را در منحرف ساختن مبارزات مردم از مسیر اصلی آن بکار بندد. البته امپریالیسم به مقتضای اهمیت متجاوز و جهان‌خوار خود از هیچ‌گونه فشار و تهاجم و تجاوز بر علیه خلق‌ها وقتی که نتواند آنها را با سیاست‌های مسالمت‌آمیز و به اصطلاح دوستانه مطیع و رام کند روگردان نیست؛ چنان که در مورد ایران نیز این ویژگی را در جریان تجاوز طیس و محاصره اقتصادی ایران کاملاً "بیور داد و بدیهی است که در مجموع کلیدی این سیاست‌ها اعم از سیاست‌های ترمش یا فشار که غالباً هم توأم بکار می‌رود (سیاست چماق و حلوا) در جهت واداشتن رژیم‌ها به تسلیم و سازش می‌باشد. و در این مسیر اعمال فشار و ایجاد تضییقات برای نیروهای انقلابی و احیاناً "سرکوب آنها نیز که جز به گسترش مقاومت خلق بر علیه امپریالیسم نمی‌انديشند سیاست مگمکی است که همیشه از طرف امریکا استقبال می‌شود.



در مسیر منحرف کردن مبارزه از سمت اصلی آن برای به تحلیل بردن نیرو و بی‌تائید انقلابی مردم در جهت‌های انحرافی، دامن زدن به اختلافات و تضادهای داخلی و کشاندن آنها به مراحل آشنی‌ناپذیر شده فروختن آتش جنگ داخلی یکی از سیاست‌های شناخته شده امپریالیست‌ها است. باز به خاطر همین هدف یعنی منحرف کردن مسیر مبارزات و هیز دادن نیروی خلق‌هاست که امپریالیست‌ها از شدت گرفتن تضادهای کشورهای یک منطقه به خصوص کشورهای همجوار (تضادهایی که عموماً میراث تسلط استعمار و رژیم‌های غالباً منحرف و وابسته‌ی گذشته هستند) و از این که این تضادها به جنگ و درگیری منجر شود استقبال می‌کنند. امپریالیست‌ها در جهت بهره‌برداری‌های خود به آتش جنگ‌های منطقه‌ای دامن می‌زنند تا ما به تحلیل بردن تمام قوا و قدرت اقتصادی و نظامی این کشورها آنها را به انواع ننگ‌ها دچار نموده و راه سازش و وابستگی‌شان را به خود هموار نمایند.

در مقابل سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و جنگ‌افروزی‌های امپریالیست‌ها رژیم انقلابی (به خصوص اگر جوان و نوپا باشد) باید با در پیش گرفتن سیاست‌ها و روش‌های انقلابی و خلقی خود را از افتادن در دام امپریالیسم بپرهیزد. رژیم انقلابی باید با پرهیز از هرگونه سیاست و عمل‌کردی که صغای از عقب‌ماندگی و ارتجاع دارد، با پرهیز از اختناق و استبداد و قدرت‌طلبی، تفرقه‌افکنی و انحصارطلبی از یک طرف و با تکیه بر پتانسیل انقلابی توده‌ها و تأمین و حفظ وحدت و یکپارچگی صفوف مردم و احترام به حقوق و آزادی‌های انقلابی از طرف دیگر کلیدی نیروها را بر علیه امپریالیست‌ها بسیج کرده و پایگاه‌ها و منافع امپریالیسم را در میهن انقلابی مورد هجوم قرار داده، بندهای اسارت و وابستگی را که میراث گذشته است یکی پس از دیگری بگسلد. فقط در صورت این هجوم مستمر بر پایگاه‌ها و منافع امپریالیسم است که تداوم انقلاب بطور اصولی تأمین شده و نیروهای آزاد شده و انقلابی در مسیر اصلی رهاشی خلق و ساختن جامعه‌ای نوین و انقلابی سمت می‌گیرند و دشمن بی‌آنگه بتواند خود را از انتظار پنهان کند از فکر و طمع بازگشتن و پس گرفتن پایگاه‌های از دست رفته‌اش مایوس می‌گردد.

در کنار این سیاست انقلابی در داخل اتخاذ یک سیاست خارجی فعال و مثبت و روشن نیز اجتناب‌ناپذیر است تا ضمن آن دولت احترام و دوستی کلیدی نیروهای انقلابی و آزادی‌خواه و ضد امپریالیست و کلیدی کشورهای مترقی را جلب کند. و در روز سختی و در موقعی که تحت فشار و یا تهاجم قرار می‌گیرد، مجموعه‌ای از نیروها، سازمان‌ها و کشورهای مترقی و انقلابی را در کنار خود داشته و از انواع حمایت‌ها و مساعدت‌های آنها بهره‌مند گردد.

بدیهی است که بیانی موقعیت این چنین سیاست خارجی عملگردهای انقلابی چه در روابط داخلی و چه در مناسبات خارجی می‌باشد. حوادث و رویدادهای پس از قیام مهن‌ما مو در نهایت جنگ بین

# گزارش به خلق قهرمان ایران



به این دو عبارت که به ترتیب از افاضات نماینده تهران و نماینده اهواز در مجلس است دقت کنید: "ما می‌کنیم که اینها نوکران امریکایند بعنوان گروه و دسته و سازمان و یکی به نام مجاهد خلق یکی به نام فدایی خلق یکی به نام چریک نیمه وقت یکی جریک تمام وقت پس کجا هستند اینها؟" (سخنار نماینده تهران در نماز جمعی تهران).

"دیده شدماست که عده‌ای از اعضای جریکهای فدایی خلق و مجاهدین خلق در سندهای مقاومت رسوخ کرده‌اند. از مردم می‌خواهیم که آنها را به دادگاه انقلاب معرفی کنند."

به عبارتی دیگر کدام جمعیتی ساری بنا به نوشته یکی از روزنامه‌های صبح در میان انبوهی از سازگاران گفته است. توجه کنید. ایشان خطاب به سازمان مجاهدین خلق گفته است:

اگر شما تضاد اصلی را امریکا می‌دانید چرا صدایان در نمی‌آید ملت‌شما شما کجا هستید و کجا رفتند؟

به بقیه اسناد و مدارکی که در همین شماره آمده‌است و گویید از اسناد و مدارک دال بر شرکت و شهادت مجاهدین خلق در جبهه مقاومت می‌باشد نیز توجه کنید. برای اگر واقعات را وارونه جلوه دادن و از عواطف پاک مردم سوء استفاده کردن و در میان "انبوه مردم" سفید را سیاه جلوه دادن عوامفریبی نیست! این عوام فریبی چیست؟ و صد البته که این عوام فریبان در مقام معیاش با دستگاه های وسیع تبلیغاتی رادیو و تلویزیون و جراید تحت کنترل که با توطئه‌ی سکوت خود برخلاف آنچه که در بارهای بین‌المللی تحت عنوان وحدت تمامی مردم و گروههای سیاسی در قبال تجاوز عراق عرضه می‌کنند، مقاومت تمام مردم را در انحصار و استنکار برخی احزاب و نهادهای و فترت‌خواه‌لویه‌دهند، قابل توجه نمی‌باشند.

اندرانه را نهم‌هایی منی بر عدم شرکت مجاهدین خلق در دفاع از مردم و مینهن تشکیل می‌دهد. اضافه بر دو عبارتی که در سطور قبل آمد به جواب یکی از آقایان در یک گفتگوی تلفنی روزنامه اطلاعات توجه کنید: ایشان در پاسخ این سوال که "مجاهدین کجا هستند؟ جواب می‌دهند که: "... اینها می‌گویند مجاهدین خلق، البته خلق هستند، ولی از مجاهدت آنها خبری نیست: فقط کاهی اعلامیه می‌دهند که ما ضاریم اما کجا هستند؟ معلوم نیست!"

از آنها که عدم حضور مجاهدین را در مقاومت خلق علیه تجاوز مطرح می‌کنند چنانچه غرضی در کار نیست و واقعا نمی‌دانند که مجاهدین در جبهه حضور دارند، بایستی پرسید که چه کسی بایستی حضور مجاهدین در جبهه را به اطلاع شما برساند. رادیو تلویزیون که جز در مقام فتاحی نامی از مجاهد نمی‌برد. در روزهای اول جنگ که گاه ساعتها وقت آن به خواندن اعلام آمادگی انجمن‌هایی که بنا تعداد افراد آنها از انگشتان یک دست نیز کمتر بود نام می‌برد از اشاره به اعلامیه‌های سازمان که برای آنها رسماً مخابره نیز می‌شد، خودداری می‌ورزید. توطئه‌ی سکوت در قبال فعالیت‌های مجاهدین به نام و کمال در آنجا صورت می‌گیرد.

غالب روزنامه‌ها نیز تحت کنترل بوده و آنها نیز چنان برخورد می‌کنند که گویی واقعه‌ی به نام مجاهدین خلق در صحنه اجتماع وجود ندارد.

مقامات رسمی و مسئول نیز که اشاراتی به نامه‌ها و یا ملاقات‌هایی که برای اعلام آمادگی و همچنین دریافت امکانات برای ورود هرچه فعالتر به جبهه از جانب ما داشته‌اند نمی‌کنند.

آیا خود شما هیچگاه از سربازانی که به جبهه می‌روید سوال کرده‌اند که طرفدار یا عضو کدام گروه و یا سازمانند، آیا این سوال را از افرادی که در شهرهای جنگ‌کرده مقاومت می‌کنند کرده‌اید؟

بهدنالش شدت یافتن و اوج‌گیری درگیری‌های پراکنده و مرزی بین ایران و عراق که به جنگ تمام عیار تبدیل شد. سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه‌ای به تاریخ اول مهر ضمن محکوم کردن تجاوزات عراق مجدداً "برای دفاع از میهن و مردم اعلام آمادگی می‌کنند و از کلیه اعضا و هواداران خود می‌خواهد که در کنار بقیه مردم و ارتش تمام خلق وظیفه‌ی خود را در دفاع از میهن و مردم و نیز کوشش برای جبران خسارات و صدمات ناشی از جنگ و کک به آسیب دیدگان ایفا نمایند.

بدین ترتیب از اولین روزهای جنگ اعضا و هواداران سازمان در کنار مردم کار خود را در جبهه‌های جنوب و غرب آغاز کردند.

اولین کار ما کوشش در تقویت هرچه بیشتر روحیه‌ی مردم بود. چرا که برای نقش و نیروی توده‌های مصمم و منسکل بیش از هر نیروی احتمالی و یا موجود در صحنه ارزش و اعتبار فائل بوده و هستیم.

بدین منظور دو سادوش و در کنار مردم به تشکیل شوراهای دفاع محلی اقدام کردیم. وظیفه‌ی این شوراهای عبارت بود از:

رسیدگی به وضعیت مردم سازمان دادن مقاومت بودهای سروسامان دادن به اوضاع صنفی - درمانی شهرها تقسیم آذوقه و سوخت تشکیل اکیپ‌های امداد... و قسمتی نیز البته مناسب با امکانات هر شورا و آمادگی‌های موجود عبارت بود از:

شکل دادن مقاومت نظامی و آموزش‌های مربوط بدان اهم فعالیت‌های ما در مورد اخیر عبارت بود از:

- سازماندهی و به‌نظم کشیدن صفوف مردم

- تشکیل کلاس‌های آموزش نظامی در دوره‌های کوتاه مدت به منظور بالا بردن آمادگی‌های رزمی - ساخت سنگرهای مناسب در مدخل و نقاط حساس شهرها

- راه‌نمایی و تسویه مردم جهت ایجاد سنگرهای مناسب در جلوی خانه‌ها و باز کردن دیوارهای خانه‌ها به هم جهت بالا بردن تحرک - ساخت مهبات و بمب‌های دست‌ساز و آموزش آن

- پخش و انتشار حرواات آموزشی-دریاریه‌ی متنوع نظامی

- ایجاد خندق‌های ضد تانک - شرکت در صفوف مقدم جبهه علی‌رغم محدودیت‌ها و نصیبات گوناگون در این مورد.

نیروهای ما در تمامی کارهای خود به راه حل‌های مردمی و بسیج مردم تکیه داشته‌وه همین دلیل نیز همیشه مورد تایید و استقبال مردم قرار گرفته‌است.

نیروهای رزمنده ما، اعضا و هواداران و حتی بسیاری از خانواده‌های آنان در بسیاری شهرها همیشه در زمره کسانی بودند که در شهر باقی ماندند و در موارد تهاجمات گسترده نیروهای ما جز آخرین کسانی بودند که شهر را ترک می‌کردند به عنوان مثال در قصر شیرین نیروهای ما تا آنجا در شهر ماندند که ارتش و سپاه خود موقع نخلیه‌ی شهر به آنها توصیه کردند که وضعیت شهر خطرناک است. شهر را ترک کنید البته هدف ما از این کار صرفاً ماجراجویی و به نمایش گذاشتن رشادت‌های فردی و گروهی نمی‌توانست باشد بلکه بدین وسیله ما می‌خواستیم ضمن دفاع فعال از مردم آنها را در عمل به مقاومت و پایداری

سوق کرده‌ایم. با تمام آن چه که در بالا گفته شد مسافانه ما از اولین روزهای فعالیتیمان با مشکلات زیادی روبرو شدیم. بخشی از این مشکلات از کمبود امکانات در زمینه‌های مختلف ناشی می‌شد. اما بخش عمده و مهم‌تر آن به انواع و اقسام کارشکنی‌هایی مربوط می‌شد که جد از طرف مقامات رسمی کشور و کمیته‌ها، و چه توسط فیل سپاه و کمیته‌ها، که علی‌الظاهر هیچ‌گونه مسئولیت قانونی نداشتند اما در عمل هیچکس هم از کارشان جلوگیری نمی‌کرد. صورت می‌گرفت: لازم به تذکر است که مصدق - ساری و ایجاد محدودیت در کلیه کارهای ما صورت گرفته که به شرح زیر خلاصه می‌شود:

الف - در زمینه‌ی تبلیحاتی تقریباً در تمام مراجعات بی‌جواب ماندیم. ما در مقابل درخواست تسلیحات مناسب جهت مقاومت در برابر نیروهای صجاوز، علی‌رغم آن که حاضر بوده و هستیم که هرگونه تضمین مورد قبول آقایان را نیز بپذیرا سوم، با جواب‌های صغی روبرو گشتیم. با جواب‌آور آن که در مواردی حتی سلاح‌های محدود خودمان نیز بازفاسط گردیده‌است، و در حال حاضر یعنی در زمانی که ما تهاجم خارجی روبرو هستیم و تسلیح همه‌ی خلق از ضرورت است تعدادی از برادران و خواهران ما در شهرهای مختلف به اتهام حمل سلاح غیرمجاز بازداشت، دستگیر و حتی در مواردی محکوم!! به حبس و صرجه‌های شلاق هم شده‌اند. در یک مورد با دکان دوکوک در اندیمشک در آسانسور سقوط بود. که افراد ما با یک تانک به یادگان مراجعه کرده و خواستار مقداری مهبات شدید، اما مسئولین علی‌رغم این که می‌دیدند یادگان در حال سقوط است، صرفاً بدین خاطر که افراد ما را می‌ساختند مهبات ندادند، و یادگان ساعتی بعد توسط سماران هوایی منقرض شد. لازم به تذکر است که به این برادران صرفاً به دلیل این که می‌دانستند در رابطه با مجاهدین هستند مهبات مورد لزوم را ندادند. و الا این برادران و کلیدی اعضا و هواداران بنا به بوضیهای سازمان در طول جنگ تا بحال هیچ‌گونه مشخصی سازمانی خود را از آرم گرفته یا نشانی دیگر حمل و آسگار نگردانند.

ب - نوع دیگر کارشکنی فشار و تهدید و به تعطیل کشاندن مراکز آموزش نظامی ما بوده است. در این گونه موارد معمولاً این گونه استدلال کرده‌اند که: "شما چنین حقی ندارید، شما ما این کارها می‌خواهید مردم را فریب دهید و... شدت ضدیها به حدی است که در تاریخ ۷/۲۷ فرد مسلحی از نهادهای رسمی با کشیدن کلنگدن تفنگ خود از ورزش تعدادی از افراد ما در فلکلی زینون آبادان جلوگیری کرد. و صریحاً گفته که "شما نباید ورزش کنید، چون ورزش آموزش نظامی است و آموزش نظامی هم باید توسط نهادهای رسمی مثل سپاه انجام گیرد."

ج - برای خوف خردی‌های صد- تانک به تنها امکاناتی در اختیار نمی‌گذارند بلکه در مواردی حتی مانع شده‌اند که افراد ما با بیل و کلنگ و دست خود به این کار اقدام کنند. تحت این‌عنوان کاسطالت‌ها خراب!! می‌شود.

د - فشار و محدودیت حتی جهت اقداماتی نظیر برپایی جاذبه‌های امداد و جراحی مجروحین و یا اقدامات پشت جبهه‌های مانند ایجاد تعاونی‌های صنفی نیز به شدت اعمال

می‌شود. و در این زمینه از سوی استفاده از بریبون‌های رسمی و حتی نمازهای جمعه هم خودداری نمی‌شود. تمامی این فشارها و محدودیت‌ها در شرایطی اعمال می‌شود که دشمن به بست دروازه‌های شهرها رسیده. در حالی که ما از ابتدا مسئولین و مقامات محلی و رسمی در تماس بوده و تاکنون بیش از ۱۵۰ مورد اعلام آمادگی و همکاری جمعی ما دست - اندرکاران کرده‌ایم که اکثر آنها را شمار بسیاری از اعضا و هواداران از ۱۵ نفر تا صدها نفر اضافه کرده‌اند. اما اکثر این نقاضاها و اعلام آمادگی‌ها به علت موضع انحصارطلبانه‌ی آقایان بی‌ساخت و در مواردی با فتاحی، هسکی و... روبرو شده است.

در آن چه به دنبال خواهد آمد سعی کرده‌ایم به طور خلاصه سناشی از آن چه را که بر ما رفتند و نیز مختصری از آن چه را که اعضا و هواداران سازمان قادر به انجام آن شده‌اند بیان کنیم. بدینیه است که با توجه به ضروریات جنگی و گرفتاری‌های مربوط به آن از یک طرف و مشکل ارتباطات - خبررسانی و حمل و نقل از طرف دیگر، اینها فقط بخشی از مجموعه‌ی حوادث و فعالیت‌های برادران و خواهران ما در جنوب و غرب کشور است:

## اعلام آمادگی‌های گوناگون اعضا و هواداران در مناطق جنگ زده

● شورای دفاعی محلات - آمد سعی کرده‌ایم به طور خلاصه سناشی از آن چه را که بر ما رفتند و نیز مختصری از آن چه را که اعضا و هواداران سازمان قادر به انجام آن شده‌اند بیان کنیم. بدینیه است که با توجه به ضروریات جنگی و گرفتاری‌های مربوط به آن از یک طرف و مشکل ارتباطات - خبررسانی و حمل و نقل از طرف دیگر، اینها فقط بخشی از مجموعه‌ی حوادث و فعالیت‌های برادران و خواهران ما در جنوب و غرب کشور است:

● شورای دفاعی محلی سده و آخر اسفالت ما بوسن نامهای به شورای فرماندهی سپاه پاسداران ضمن بر سرمدن کارهای ایجاد سنگر، حفر خندق، تشکیل گروه امداد، تعیین اکیپ‌های پاسداری در سب، آموزش نظامی و امداد، و کارهای صنعتی خواستار امکانات حمل و نقل و اسلحه و هم- جنس خواستار مسئولیت حفاظت از ایستگاه برق محلی خود می‌شوند. این نامه را ۷۰ نفر از اهالی محل نیز امضا و تایید می‌کنند.

بعد از مراجعه و تماس به آقایان گفته می‌شود: "ما مساجد را صلح می‌کنیم و آنها خودشان به افراد بیون و اسفالتی و مسلمان که مورد باید باشند اسلحه می‌دهند."

● شورای دفاعی محلی احمدآباد ضمن نوشتن نامه‌ای به فرمانداری و بر سرمدن کارهای خودشان در محله خواستار دارو، سلاح و... می‌شوند. این نامه را حدود ۲۵ نفر از اهالی نیز امضا کرده‌اند. پس از مراجعه و تماس به آنها گفته می‌شود: "ما شما را نمی‌شناسیم. به مسجد و روحانیون مراجعه کنید"

● در یکی گری قضیه همین شورا نامه‌های مشابهی به امام جمعه شهر نوشته و همان خواسته‌ها را مطرح می‌کند. به منزل ایشان مراجعه کرده و خواسته را مطرح می‌کنند. فرزند امام جمعه نامه را برده و بعد از چند دقیقه مراجعت کرده که جواب امام جمعه را بدین صورت می‌دهد که: "این کارها به من مربوط نیست..."

● شورای دفاعی محله صدق و سپاه همراه با نامه‌ای که حدود ۱۵۰ تن از اهالی آن را امضا و تایید کرده‌بودند، ضمن بر سرمدن فعالیت‌های خود خواستار امکانات مستری جهت مقابله با تهاجم دشمن می‌شود. مسئول سپاه بیست نامه می‌نویسد: "سلاح در حدود امکانات بین اهالی شهر که تعهد اسلحه دارند تقسیم گردیده و موارد دیگر خارج از امکانات سپاه است" (تاریخ ۱۲/۷/۵۹)

● ۱۵ نفر هواداران از کارکنان پالانگه آبادان که قبلاً دوره‌های آتش‌نشانی را آموزش دیده‌بودند به سرپرست اداری آتش‌نشانی مراجعه و آمادگی خود را برای انجام ماوریت اعلام می‌دارند.

● در تاریخ ۱۵/۷/۵۹ شورای دفاعی محله بازرگان و صلح ضمن نامه‌ای به سپاه پاسداران که در آن اشاره‌ای به کارها و فعالیت‌های خود در این مدت شده‌بود خواستار تسهیلات بیشتر از جمله اسلحه، دارو، بنزین و... برای دفاع از مردم و میهن می‌شود. بعد از مراجعه و تماس در زیر نامه‌ی آنان نوشته می‌شود: "مراجعه شود به دفتر هماهنگی"

● مسئله‌ی دیگری شده و نمایندگان شورا به دفتر هماهنگی می‌روند در آنجا به آنان گفته می‌شود کمتهای اولیه و مواد داروئی را نمی‌توانیم در اختیارمان بگذاریم چون در بیمارستانها به آنها احتیاج داریم. در مورد اسلحه، می‌گویند: "ما خودمان هم اسلحه نداریم و نمی‌توانیم به دیگری بدهیم"

● در مورد بنزین می‌گویند: "اگر فعال هستیم باید شناخته شده باشیم پس به مسجد محله مراجعه کنید"

بقیه در صفحه ۴

● شورای دفاعی محلات - سرویس قنوتی - ابوالحسن - چهار راه حوضی ضمن نامه‌ای به تاریخ ۸/۸/۵۹ به شورای هماهنگی شهرساز مراجعه و خواستار امکانات لازم جهت مقابله با حوادث احتمالی می‌شوند. نماینده‌ی شورای هماهنگی بعد از مطالعه نامه می‌گوید: "چنین شوراها برای ما معنی نیست و ما هیچ‌گونه کمکی به شما نمی‌توانیم کنیم"

● همین شورا نامه‌ای به سنج مستضعفین نوشته و خواستار امکانات جهت ساروه و مقابله با حوادث احتمالی می‌شود. بعد از مراجعه به سنج جوان مسلح ۲۰ ساله‌ای نامه را رسنه و می‌برد: "مال کدام گروه است." به وی بوضیح داده می‌شود که در شرایط حساس جنگی مساله‌ی گروه مطرح نیست. او قانع شده و بالاخره می‌گوید: "ما زورق را نه می‌گیریم و نه امضا" می‌کنیم. فقط می‌توانیم مقداری کونی بشما بدهیم" (که البته ما هم جای تشکرش باقیست)

● در تاریخ ۸/۸/۵۹ شورای دفاعی محلات ابوالحسن، سرویس قنوتی و منطقه‌ی چهار حوضی ضمن نامه‌ای به فرماندهی سپاه پاسداران خواستار همکاری و حمایت امکانات می‌شود. بعد از مراجعه به محل سپاه مسئول اطلاعات نامه را خوانده و با بی‌اعتنائی می‌گوید: "فرمانده نیست". بعد از اصرار نماینده‌ی شورا می‌گوید: "اصلاً به سپاه مربوط نیست" و بعد هم اضافه می‌کند: "ما خودمان بهمر از شما خطرات احتمالی را درک می‌کنیم و به موقع هم آنرا خنثی می‌سازیم"

● جمعی از هواداران ساکن در محل سده و آخر اسفالت ضمن بوسن نامه‌ای به ستاد هماهنگی مردم ما فرماندار ضمن اعلام آمادگی برای اعزام به جبهه‌ی جنگ خواستار مسلح شدن خود می‌شوند. این نامه را ۴۰ تن از اهالی نیز امضا کرده‌اند. بعد از مراجعه فرمانداری

● در تاریخ ۱۵/۷/۵۹ شورای دفاعی محله بازرگان و صلح ضمن نامه‌ای به سپاه پاسداران که در آن اشاره‌ای به کارها و فعالیت‌های خود در این مدت شده‌بود خواستار تسهیلات بیشتر از جمله اسلحه، دارو، بنزین و... برای دفاع از مردم و میهن می‌شود. بعد از مراجعه و تماس در زیر نامه‌ی آنان نوشته می‌شود: "مراجعه شود به دفتر هماهنگی"

● مسئله‌ی دیگری شده و نمایندگان شورا به دفتر هماهنگی می‌روند در آنجا به آنان گفته می‌شود کمتهای اولیه و مواد داروئی را نمی‌توانیم در اختیارمان بگذاریم چون در بیمارستانها به آنها احتیاج داریم. در مورد اسلحه، می‌گویند: "ما خودمان هم اسلحه نداریم و نمی‌توانیم به دیگری بدهیم"

● در مورد بنزین می‌گویند: "اگر فعال هستیم باید شناخته شده باشیم پس به مسجد محله مراجعه کنید"

بقیه در صفحه ۴

بخش اعظم تبلیغات تفرقه

# گزارش به خلق قهرمان ایران مجاهدین خلق در جبهه های مقاومت

بقیة صفر صفحه ۳

تعدادی از برادران را مجروح و موفقی به پیدا کردن آنها نمی شود. این برادر ۴ روز درس طول می ماند. تا این که روز چهارشنبه ۵۹/۷/۲۴ معاون دادستان همراه تعدادی پاسدار برای بازجویی!! به سراغ وی رفته و از وی می خواهند که تعهد بدهد تا آزاد شود و چون با امتناع برادرمان روبرو می شوند یکی از افراد حاضر در بازجویی می گوید: " ورزش قبل از آموزش نظامی نباید انجام داد و الا بر اساس دادگاه های زمان جنگ تا شما رفتار خواهد شد" این برادر می گوید: " در این صورت باید از ۳۵ میلیون جمعیت ایرانی تعهد بگیرید و من به هیچ وجه امضا نمی کنم."

ساعتی بعد با مراجعی خانوادگی این برادر و تعهدی که از آنها می گیرند این برادر آزاد می شود بدین ترتیب در زمان جنگ در شرایطی که همه باید هرچه بیشتر آمادگی های رزمی کسب کنند از خانوادگی تعهد می گیرند که فرزندان ورزش نکند!!

## حمله مسلحانه به چادر امداد پزشکی در منطقه کبان، زخمی و دستگیر شدن تعدادی از هواداران

ساعت ۸/۱۵ صبح روز ۲۶/مهر ۵۹/ تعداد ۴ نفر مسلح به ز-۳ و نارنجک با اتومبیل استیشن سبز رنگ به شماره ۱۶۴۱۸ به چادر امداد پزشکی که هواداران در منطقه کبان برپا کرده بودند حمله ور شدند و این در حالی بود که هیچ گونه آرم، نوشته و یا علامت سازمانی در آنجا وجود نداشت. مهاجمین مسلح خواستار برچیده شدن این چادر بودند. تعدادی از هواداران و نیز تعدادی از اهالی محل که خدمات چادر را به عینه مشاهده کرده بودند تا این عمل مخالفت می کنند وقتی جز و بحث بالا می گیرد مهاجمین با تفنگ و تفنگ و هرچه که امکان داشت

برای مقابله با دشمن مشکلات را نیز مطرح می کنند. یکی از اعضای فرماندهی سپاه نام ایرانبور می گوید: " آموزش نظامی توسط شما غیر قانونی است و هرگونه تجمعی که منجر به آموزش های نظامی شود نیز غیر قانونی است و با آن طبق مقررات جنگی رفتار می شود!!" برادران ما می گویند: به این طریق شما می توانید خیلی کارها حتی راه رفتن و یا دیدن را ممنوع اعلام کنید. ایرانبور عضو فرماندهی سپاه می گوید: " شما بروید ورزش کنید، هرجای آن غیر قانونی بود ما جلوی آنرا می گیریم"

برادران ما در جواب می گویند: " شما یک نفر را به محل ورزش ما فرستید تا نظارت کند"

ایرانبور: " اگر ما این کار را نکنیم به شما جنده رسمی دادیم!!" برادران: " این گفته شما با گفته های سایر مسئولان ملکی که این همه تاکید بر آموزش نظامی، و آمادگی های رزمی دارند متناقض است!!" ایرانبور عضو فرماندهی سپاه: " شما هر کاری که می خواهید نکنید ما هم هرکاری که بخواهیم می کنیم"

برادران: " ما نمی خواهیم این طور شده و سالهای پیش بیاید"

ایرانبور: " ما می خواهیم مسائلی بوجود بیاید زیرا شما ستون پنجم دشمن هستید". و با حالت عصبانی بلند شده و ضمن بیرون رفتن می گوید " به هر حال شما در محدودی مناطق مسکونی حق ورزش کردن ندارید"

## ممانعت از ورزش هواداران

در بسیاری موارد تحت این عنوان که آموزش نظامی باید توسط سپاه صورت گیرد به مراکز و محله های آموزش نظامی ما حمله شده. افراد را دستگیر و سعی در بهم زدن آموزش ها می شود آن هم در شرایطی که خود این نهادها به دلایل گوناگون قادر به ادامه کارهای انجام شده نیستند

## آغاچاری - سه روز بعد

حوالی ساعت ۶ بعد از ظهر ۲۵/ مهر تعدادی از برادران مشغول ورزش بوده اند، سه نفر پاسدار به آنان مراجعه کرده و می پرسند آموزش نظامی می دهید؟ یکی از برادران پاسخ منفی می دهد. آنها عذرخواهی کرده و می روند. نیم ساعت بعد یک ماشین با ۶ نفر ظاهرا پاسدار جلوی برادری به نام خدایراد را در خیابان گرفته از او می پرسند، آیا در فلان محل ورزش می کرده ای؟ این برادر نیز که فکر نمی کرده ورزش کردن اشکالی داشته باشد جواب مثبت می دهد. به دنبال آن افراد مذکور از وی می خواهند که سوار ماشین شود ( بدون حکم) و چون خدایراد اعتراض می کند با توسل به زور او را سوار اتومبیل می کنند. اتومبیل مدتی نیز به دنبال دو برادری که سه روز قبل به سپاه رفته بودند گشته ولی

نمی توانیم آنها را فراموش کنیم. در ظاهر جاده های امداد برپا می کنند ولی عملاً توپخانه می کنند. ما به این وحدت خلق که سا می گوئید معتقد نیستیم. الان فقط خط امام مطرح است و هرکسی حتی مقامات ملکی هم دم از وحدت خلق بزنند کافرند و باید با آنها مبارزه کرد."

## استقبال!! و عکس العمل حضرات دست اندرکار

در جواب اعلام آمادگی هواداران سازمان برای دفاع از مرزها، شهرها و مردم بی دفاع سرپرست فرمانداری اسلام آباد عرب این گونه جواب می دهد:

" به علت این که فقط برای آرم کار می کنید و بهره برداری سیاسی را در نظر دارید لذا: امیدوار بود آمدنی به خیرکسان مرا به خیرتو امید نیست سرمرسان"

## در تاریخ ۱۲/مهر/۵۹

جمعی از هواداران هوادار کوی کارگر به جهاد سازندگی مراجعه و اعلام آمادگی برای امدادگی کردند. بعد از مراجعه به محل و تماس با شرفی مسئول جهاد، شرفی در حالی که دراز کشیده بود نامی این هواداران را مجاله کرده و می گوید حالا بروید بدون آرم کار کنید. این عمل آنقدر زنده بود که دکتری که نزد او تسه بود به او اعتراض کرده و می گوید "نگذار حرفشان را بزنند". لازم به تذکر است که این هواداران و تمامی افراد سازمان که در جبهه و با پشت جبهه حضور دارند بنا به دستور سازمان از هیچگونه آرم و یا نشانی گروهی و سازمانی استفاده نکرده و نمی کنند و این مخالفتها صرفاً به خاطر اطلاع مقامات دست اندرکار از وابستگی این افراد به مجاهدین است و سن. (به نظر آقایان مجاهدین از دشمن متجاوز هم بدتر هستند!!)

## در تاریخ سه شنبه ۱۶/۷/۵۹

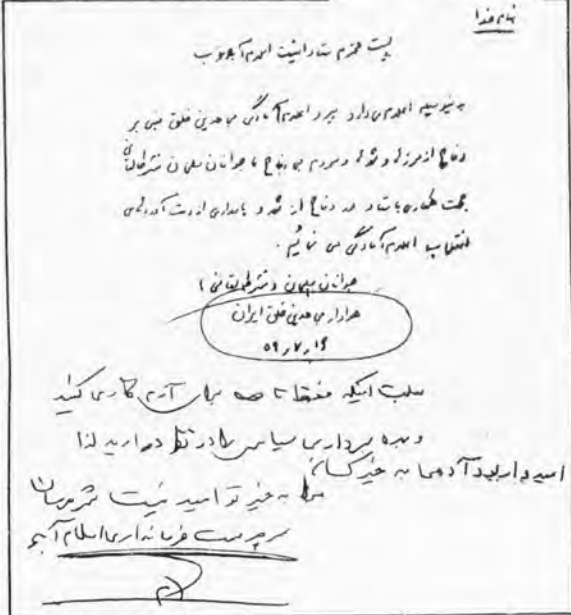
یکی از هواداران هوادار برای بی گیری نامهای که در آن حاضر به همکاری با هلال احمر شده بود به ریاست هلال احمر آقایان آقای سلحشور مراجعه می کند. سلحشور به محض خواندن نامه با حالتی عصبانی می گوید: " ما احتیاجی به کمک نیروهای غیرهکتی و منحرف نداریم" بعد سه بار می گوید "من فالانژم و ایجا هم از همه فالانژها و به قول شما مرتجعین استفاده نمی کنیم"

هواداران در جواب وی می گویند: الان موقع جنگ و خدمت به مردم است و این مسائل نباید مطرح شود" سلحشور می گوید: "خدمت به مردم نه، خدمت به خدا، خاک میهن و مردم در مقابل مکتب هیچ ارزشی ندارد". بعد ادامه می دهد: "من دانشجوی دانشگاه تهران هستم و خیانت شما را به انقلاب دیده ام"

سپس با حالتی خشمگین می گوید: "برو، برو گمشو! از اینجا برو بیرون" و در همان حال نامه را بریز می کند فرد دیگری هم همراه سلحشور بود که او نیز می گوید: شما برای ما از عراق هم خطرناکترید."

## نمونه دیگر: اهواز

در تماسی با آقای صمدی مسئول بسیج به وی گفته می شود: در این شرایط که باید همه نیروهای مردم صرف دفاع و رفع نهایع عراق بشود چرا با ایجاد ممانعت های گوناگون و درگیری عملا وحدت مردم را از بین می برید؟ ایشان گفتند: "... این گروهها برای ما بسیار خطرناکترند. اینها ستون پنجم دشمن هستند ما حتی در حال جنگ با عراق نیز



ساعت ۸/۱۵ صبح روز ۲۶/مهر ۵۹/ تعداد ۴ نفر مسلح به ز-۳ و نارنجک با اتومبیل استیشن سبز رنگ به شماره ۱۶۴۱۸ به چادر امداد پزشکی که هواداران در منطقه کبان برپا کرده بودند حمله ور شدند و این در حالی بود که هیچ گونه آرم، نوشته و یا علامت سازمانی در آنجا وجود نداشت. مهاجمین مسلح خواستار برچیده شدن این چادر بودند. تعدادی از هواداران و نیز تعدادی از اهالی محل که خدمات چادر را به عینه مشاهده کرده بودند تا این عمل مخالفت می کنند وقتی جز و بحث بالا می گیرد مهاجمین با تفنگ و تفنگ و هرچه که امکان داشت

ساعت ۸/۱۵ صبح روز ۲۶/مهر ۵۹/ تعداد ۴ نفر مسلح به ز-۳ و نارنجک با اتومبیل استیشن سبز رنگ به شماره ۱۶۴۱۸ به چادر امداد پزشکی که هواداران در منطقه کبان برپا کرده بودند حمله ور شدند و این در حالی بود که هیچ گونه آرم، نوشته و یا علامت سازمانی در آنجا وجود نداشت. مهاجمین مسلح خواستار برچیده شدن این چادر بودند. تعدادی از هواداران و نیز تعدادی از اهالی محل که خدمات چادر را به عینه مشاهده کرده بودند تا این عمل مخالفت می کنند وقتی جز و بحث بالا می گیرد مهاجمین با تفنگ و تفنگ و هرچه که امکان داشت

حوالی ساعت ۶ بعد از ظهر ۲۵/ مهر تعدادی از برادران مشغول ورزش بوده اند، سه نفر پاسدار به آنان مراجعه کرده و می پرسند آموزش نظامی می دهید؟ یکی از برادران پاسخ منفی می دهد. آنها عذرخواهی کرده و می روند. نیم ساعت بعد یک ماشین با ۶ نفر ظاهرا پاسدار جلوی برادری به نام خدایراد را در خیابان گرفته از او می پرسند، آیا در فلان محل ورزش می کرده ای؟ این برادر نیز که فکر نمی کرده ورزش کردن اشکالی داشته باشد جواب مثبت می دهد. به دنبال آن افراد مذکور از وی می خواهند که سوار ماشین شود ( بدون حکم) و چون خدایراد اعتراض می کند با توسل به زور او را سوار اتومبیل می کنند. اتومبیل مدتی نیز به دنبال دو برادری که سه روز قبل به سپاه رفته بودند گشته ولی







# گزارش به خلق قهرمان ایران مجاهدین خلق در جبهه‌های مقاومت

جواب مدیر عامل آب و برق کرمانشاه  
این جنگ و درگیری‌ها را خود شما براد انداخته‌اید حالا هم می‌خواهید به این وسیله سو استفاده کنید. در ضمن ملوک مسئول دارد و خودشان برای حفاظت از تأسیسات شاسیم که نامشان را قبول کنیم و با ملک اقدام خواهند کرد. اصلاً ما زیر آن چیزی نبوسیم. نیازی به شما نداریم!!

به همکاری با شما نیست. برادران: منظور شما از "جامع" چیست؟ گاندیدی مجاهدین در انتخابات مجلس در این شهر نامی نقلیات ما ۳۰/۰۰۰ رای نفر سوم و چهارم شداند. اگر جامعه به ما اطمینان نداشت به ما رای نمی‌داد. اساندار بدون اینکه جوابی بدهد گفتگو را قطع کرد: و صحنه‌ها ترک می‌گردد. (این گفتگو با صدای بلند در استادیوم ندری صورت گرفته است.)

## اعلام آمادگی برای حفاظت از تأسیسات صدا و سیما جمهوری اسلامی مرکز کرمانشاه

بنام خدا  
سرپرست محترم صدا و سیما جمهوری اسلامی مرکز کرمانشاه  
مختصراً پیرو اعلامیه سازمان مجاهدین خلق ایران مبنی بر دفاع همه جانبه از کشور در مقابل تهاجمات رژیم امپریالیستی جناب روحانی بدینوسیله انجمن جوانان مسلمان کرمانشاه و هواداران آن در دفاع از تأسیسات این مرکز خود را برای حفاظت از تأسیسات آن سازمان که نقش مهمی در تولید و پخش برنامه‌ها دارد و در نتیجه این فعالیت‌ها می‌تواند به نفع مردم و کشور باشد اعلام می‌دارد.  
انجمن جوانان مسلمان کرمانشاه  
تأسیسات صدا و سیما

## نامه استانداری به اداره کل مخابرات در مورد تقاضای مابرای حفاظت از آن اداره

استاندار کرمانشاه  
وزارت کشور  
جمهوری اسلامی ایران  
اداره کل مخابرات استان کرمانشاه  
بازگشت بنامه شماره ۱۸۸۶۱/۲۴۳/۲۶۱ مورخ ۹/۲/۱۳۸۹ و توجه به موع کبریه‌ها است. امر در مورد گروه مجاهدین خلق سروری است دستور فرمائید برای حفاظت از اداره مخابرات در این منطقه از مأموران انتظامی استفاده نمایید و بهر از این به فرصت ضلعان فرصت ندهند.

بهراسنی فرصت طلب کیست؟ آیا مسئولیت ضربات ناشی از آن مجسمه انتقال میهن توسط دشمن

## مختصری از فعالیتهای مجاهدین خلق در جنگ مقاومت مردمی علیه غم‌تصفیات، فشارها و سایه پراکنی‌های انحصارطلبان

خرمشهر : دوشنبه ۲۱/مهر  
سنگهای عراقی با استفاده از دود آسمان آبادان که بدانها قدرت استار می‌داد ۴ بار به شهر حمله کردند. هدفشان زدن پایتگاه و یا زدن دویاره مخازن بنزین بود. یک بار محزون دیگری را زدند. صد هوائی-های ایران نیز نسبت آتش می‌کردند یک غیر نظامی که با علاقه‌ی تمام به نهی‌ی تعدادی افراد جبهه‌ی خرمشهر، مسئول بود، گفت: الان حدود ۲۰ روز است که خیلی کم خوابیده‌ام.  
یکی از هواداران بنام امیر حسن بختاری در اثر اصابت گلوله‌ی آر-بی‌جی هفت شهید شد.  
از برپشت صدای خمپاره‌ها و توپ-های ۱۰۶ ایران و صدای سلاح‌های سنگ در بندر اوج گرفته.  
عراق از سنجاق-پلیس راه، بادگان و بندر-جبهه و شهر را زیر آتش گرفته (در بندر با سلاح سنگ و شهر را با سلاح سنگین می‌کود).  
انبارهای بندر آتش گرفته، نانک-ها و تفنگ‌های ۱۰۶ از بادگان عقب کشیده‌اند تا غافلگیر نشوند.  
هواداران با سلاح‌های سنگ یک سنگرورودی شهر را در دست دارند. عده‌ای هم برایشان کوکتل می‌سازند و می‌برند. مردم برادران را تشویق می‌کنند.  
گیلانغرب  
در تاریخ ۱۳/مهر/۵۹ با یک گروه ۸ نفره که با خود جمعاً ۹ نفر می‌شدیم برای پیدا کردن یک اکیب ۱۰ نفره که سه روز پیش برای انجام عملیات چریکی به مأموریت رفته بودند اعزام شدیم. وسیله‌ی نقلیه‌ی ما یک جیب لندروور بود. اولیسن

## اعلام آمادگی برای محافظت از تأسیسات و اداره مخابرات کرمانشاه

بنام خدا  
ریاست محترم اداره مخابرات کرمانشاه  
مختصراً پیرو اعلامیه سازمان مجاهدین خلق ایران مبنی بر دفاع همه جانبه از کشور در مقابل تهاجمات رژیم امپریالیستی جناب روحانی بدینوسیله انجمن جوانان مسلمان کرمانشاه و هواداران آن در دفاع از تأسیسات این مرکز خود را برای حفاظت از تأسیسات آن سازمان که نقش مهمی در تولید و پخش برنامه‌ها دارد و در نتیجه این فعالیت‌ها می‌تواند به نفع مردم و کشور باشد اعلام می‌دارد.  
انجمن جوانان مسلمان کرمانشاه  
تأسیسات مخابرات

## فرصت طلب کیست؟ نامه به استانداری کرمانشاه و اعلام آمادگی برای دفاع از مردم و میهن بدون داشتن هیچگونه آرم و نشان

استاندار محترم کرمانشاه  
بنام خدا  
پیرو نامه‌های مورخه ۹/۲/۱۳۸۹  
باستناد به نامه‌ی به بنال بدواریت و جفا که مستند به نامه‌ی مردمی به منظور دفاع از مردم و میهن است. در این اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام آمادگی جهت دفاع از سرحدات محروم و فقیرهای کشور از میهن جوانان مسلمان کرمانشاه (هوادار جبهه‌ی خلق) در هر شرایطی بدون آرم و نشان گروهی. در مورد جوانان عیاشی با ایجاد سنگر و برگزاری کلاسهای آموزشی-نظامی. کمک‌های اولیه و وسوسه دادن به مردم و ایجاد سفولنیتهای مردمی را از لای خود اهدا نمایند.  
لد از آن مقام مسئول نظامی این امر برای ایجاد سفولنیتهای لازم منجمله در اختیار قرار دادن اسلحه و حتی الاکان مکان مناسب جهت آموزش به سفولنیتهای مردمی را صادر فرمایند. باید تا با هم‌راهی این ارگانها تا در راه دفاع از میهن کوشش و کوشش‌ها را تشویق و تقویت نمود.  
سپاه پاسداران کرمانشاه  
سید مصطفی

## از مسکلمه برادران هواداران استاندار کرمانشاه

برادران: چرا ما هر نوع همکاری را که می‌خواهیم انجام دهیم از جانب استانداری مخالفت می‌شود؟  
الان نامه‌ی مورخ ۵/۲/۵۹ ما را که اعلام همکاری کرده بودیم آتای پروین (پروین، معاون سیاسی استانی) نداد است. دستور داده که با یگانگی شود.  
استاندار: بخاطر اینکه جامعه به شما اعتماد ندارد و بسبب هم‌حاضر

شد ۱۰ نفر در ساعت ۳ نیمه شب به نزدیکی دیده‌مانی رفته و صبح زود که دیده‌مانان به محل می‌آیند آنها را مورد حمله قرار دهند. من نیز جزو آنها بودم. سرپرست گروه بعداً تصمیم دیگری گرفت. قرار شد صبح موضع دشمن را با خمپاره‌ها بمومیزیم. در تاریخ ۷/۱۹ دیده‌مانی را با خمپاره در هم کوبیدیم. در همین هنگام یک جیب عراقی به پشت تنکاده شده و ما را از پشت زیر آتش خمپاره گرفت که خوشبختانه تلفاتی نداشتیم.

بعد از اتمام مأموریت حوالی ۵ بعد از ظهر از ارتفاعات سوی گیلان غرب حرکت کردیم. هر کدام از ما مفاصلی همتر از یکدیگر حرکت می‌کرد تقریباً از ارتفاعات پایین آمده بودیم که یک گلوله توپ در چند مترمان به زمین خورد. به سرعت خوابیدیم و اما یکی از افراد مازخمی شد. ما پتو برانگارد درست کردیم ضمن حمل این برادر به حرکت ادامه دادیم.

۵۹/۷/۳ - نیروی‌های عراقی با تعداد زیادی تانک و نفره، شهر را مورد هجوم قرار دادند. یک دسته از آنها سوی سرپل و دسته دیگر از شمال شهر حمله را شروع کردند. تانک‌های خودی نیز به مفاصل با آنها شتافتند.  
ما هم با تانک چند نفر از جبهه‌ها در پشت صحرائی در نزدیکی سرپل-های عراقی سنگر گرفته بودیم. مجموعاً یک نفر از یک آرمی-جی، هفت یا ۶ گلوله، کلاسیک و تعداد تفنگ ۳ داشتیم. نیروهای دشمن نیروهای خودی و ما را زیر رگبار موشک‌های زمین به زمین و آتش تانک قرار داده بودند. یک تانک عراقی حودی مهماتش تمام شد. نمود. اطلاع داده شد و یک کابین برای وی مهمات آورد. ولی هنوز آمادگی شلیک نشده بود که مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت. یکی از خدمه‌های تانک خود را به بیرون برتاب کرد. اما منافسانه دو نفر دیگر شهید شدند. در این هنگام چند جریک از دیگر نیروهای خودی دوان دوان خود را به مارساندند و از فرط تشنگی سیخال افتادند. مقداری آب که نفت هم با آن مخلوط شده بود نوشیدند.  
حوالی ۵ بعد از ظهر بود که با سلاح‌های خود بطرف باقی حرکت کردیم. و به نماز ایستادیم.

۵۹/۷/۴ - نیروی‌های عراقی با تعداد زیادی تانک و نفره، شهر را مورد هجوم قرار دادند. یک دسته از آنها سوی سرپل و دسته دیگر از شمال شهر حمله را شروع کردند. تانک‌های خودی نیز به مفاصل با آنها شتافتند.  
ما هم با تانک چند نفر از جبهه‌ها در پشت صحرائی در نزدیکی سرپل-های عراقی سنگر گرفته بودیم. مجموعاً یک نفر از یک آرمی-جی، هفت یا ۶ گلوله، کلاسیک و تعداد تفنگ ۳ داشتیم. نیروهای دشمن نیروهای خودی و ما را زیر رگبار موشک‌های زمین به زمین و آتش تانک قرار داده بودند. یک تانک عراقی حودی مهماتش تمام شد. نمود. اطلاع داده شد و یک کابین برای وی مهمات آورد. ولی هنوز آمادگی شلیک نشده بود که مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت. یکی از خدمه‌های تانک خود را به بیرون برتاب کرد. اما منافسانه دو نفر دیگر شهید شدند. در این هنگام چند جریک از دیگر نیروهای خودی دوان دوان خود را به مارساندند و از فرط تشنگی سیخال افتادند. مقداری آب که نفت هم با آن مخلوط شده بود نوشیدند.  
حوالی ۵ بعد از ظهر بود که با سلاح‌های خود بطرف باقی حرکت کردیم. و به نماز ایستادیم.

۵۹/۷/۶ - حوالی ۹-۱۰ صبح بود که آقای ذکری (اسم در گزارش ناخوانا بود) با یک توپ ۱۰۶ آتش من چون شام و صبحانه نخوردیم. نزد آنها رفته و ضمن صحبت مقداری نان و حره ترس. در همین ضمن افراد سپاه نیز همراه آقای گرجی به آنجا آمدند. در این موقع سپاه واحدی موا صد کرد که همراه او به دیده‌مانی بروم.  
آماده‌ی رفتن بودیم که یکی از افراد سپاه به نام محمود فرخزاد که با من دوست بود ولی مدتی بود با شم حرف نمی‌زدیم موا صد زد. او جلو رفته ضمن احوالپرسی صورت او را بوسیدم. سپس به دیده‌مانی رفتیم که سه ساعت طول کشید.  
در مراجعت تعدادی از تانک-های عراق را دیده بودیم. افراد ارتشی که آنجا بودند با استفاده از یک تپه‌ی کوچک که جلوی دید تانک نبود آنها را مهار کردیم. بعد از ظهر گروه کمک دیگری از سپاه به پرسنی شندان قلاوود به آنجا آمدند. شمان مرا می‌شناخت. همین که من را دید به سرپرست سپاه جمیری گفت سرپرست سپاه، صبح که من را دیده بود از اینکه فعالیت می‌کردم شکر کرده بود. اما بعد از آن مرا خواست و پرسید.  
شما در اینجا چکار می‌کنید؟  
جواب دادم.  
کمک می‌کنم.  
پرسید: از طرف کی؟  
گفتم: از طرف خودم.  
گفت: آیا افراد سپاه که در این جا هستند شما را می‌شناسند؟  
جواب دادم: بله اکثر افراد سپاه من را می‌شناسند.  
گفت آقای شعبانی چی؟  
گفتم: بله او هم مرا خوب می‌شناسد این فرد رفته و یک نفر دیگر مقیم در صفحه ۸

۵۹/۷/۴ - حوالی ۹-۱۰ صبح بود که آقای ذکری (اسم در گزارش ناخوانا بود) با یک توپ ۱۰۶ آتش من چون شام و صبحانه نخوردیم. نزد آنها رفته و ضمن صحبت مقداری نان و حره ترس. در همین ضمن افراد سپاه نیز همراه آقای گرجی به آنجا آمدند. در این موقع سپاه واحدی موا صد کرد که همراه او به دیده‌مانی بروم.  
آماده‌ی رفتن بودیم که یکی از افراد سپاه به نام محمود فرخزاد که با من دوست بود ولی مدتی بود با شم حرف نمی‌زدیم موا صد زد. او جلو رفته ضمن احوالپرسی صورت او را بوسیدم. سپس به دیده‌مانی رفتیم که سه ساعت طول کشید.  
در مراجعت تعدادی از تانک-های عراق را دیده بودیم. افراد ارتشی که آنجا بودند با استفاده از یک تپه‌ی کوچک که جلوی دید تانک نبود آنها را مهار کردیم. بعد از ظهر گروه کمک دیگری از سپاه به پرسنی شندان قلاوود به آنجا آمدند. شمان مرا می‌شناخت. همین که من را دید به سرپرست سپاه جمیری گفت سرپرست سپاه، صبح که من را دیده بود از اینکه فعالیت می‌کردم شکر کرده بود. اما بعد از آن مرا خواست و پرسید.  
شما در اینجا چکار می‌کنید؟  
جواب دادم.  
کمک می‌کنم.  
پرسید: از طرف کی؟  
گفتم: از طرف خودم.  
گفت: آیا افراد سپاه که در این جا هستند شما را می‌شناسند؟  
جواب دادم: بله اکثر افراد سپاه من را می‌شناسند.  
گفت آقای شعبانی چی؟  
گفتم: بله او هم مرا خوب می‌شناسد این فرد رفته و یک نفر دیگر مقیم در صفحه ۸

۵۹/۷/۶ - حوالی ۹-۱۰ صبح بود که آقای ذکری (اسم در گزارش ناخوانا بود) با یک توپ ۱۰۶ آتش من چون شام و صبحانه نخوردیم. نزد آنها رفته و ضمن صحبت مقداری نان و حره ترس. در همین ضمن افراد سپاه نیز همراه آقای گرجی به آنجا آمدند. شمان مرا می‌شناخت. همین که من را دید به سرپرست سپاه جمیری گفت سرپرست سپاه، صبح که من را دیده بود از اینکه فعالیت می‌کردم شکر کرده بود. اما بعد از آن مرا خواست و پرسید.  
شما در اینجا چکار می‌کنید؟  
جواب دادم.  
کمک می‌کنم.  
پرسید: از طرف کی؟  
گفتم: از طرف خودم.  
گفت: آیا افراد سپاه که در این جا هستند شما را می‌شناسند؟  
جواب دادم: بله اکثر افراد سپاه من را می‌شناسند.  
گفت آقای شعبانی چی؟  
گفتم: بله او هم مرا خوب می‌شناسد این فرد رفته و یک نفر دیگر مقیم در صفحه ۸

# گزارشی از فعالتهای تیم پزشکی اعزامی مجاهدین خلق به کردستان

کردستان شهر سرپل دهاغ و اسلام آباد غرب برابر دارد. با جمعیتی قریب ۷ هزار نفر. در جریان تجاوز نظامی عراق جمعیت آن تقریباً به دو برابر افزایش یافته است. کرد، خود، مستقماً "صحنه نبرد سوده است. لیکن بدلیل نزدیکی به جبهه مصائب جنگ را بحسبی لمس کرده است. مهاجرین جنگ اخیر بیشتر اهالی روستاها و اقشار پایین شهری هستند. سرپل دهاغ همسند، که علت عدم توانایی مالی یوان مهاجرت به مناطق دورتر را ندانند. اغلب با مختصر بونه و اچاما با تعدادی گنم به این شهر آمده اند. و به همین دلیل دارای وضع رفعت باری هستند.

با آغاز جنگ تجاوزگرانه عراق یک تیم ۷ نفره پزشکی، مرکب از یک جراح و ۶ دانشجوی پزشکی و بهیار، از سوی مجاهدین خلق به منطقه غرب اعزام گردید. افراد تیم در اسلام آباد به مقامات مختلف از قبیل فرمانداری، بهداشتی و ... مراجعه کرده و داوطلبان کار می گردیدند. اقدام تیم با استقبال سبسی برخی مقامات روبرو شد. و از طریق بهداشتی اسلام آباد غرب به کرد اعزام و از تاریخ ۱۵/۷/۸۹ در بهداشتی آنجا مشغول به کار می شوند. اولین اقدام جواهران و برادران، تقسیم بندی اطفاها و تهیه تجهیزات لازم برای عمل جراحی بود. در مدت کمی ۶ اتاق برای مریضها و اتاق کوچکی برای عمل جراحی آماده می گردد.

بهرتر است گوشای از جریان را زمان سرپرست اکب سوسوم " در دوروز اول، اتاق عمل آماده شد، تمام وسایل جراحی مورد نیاز از محل های مختلف تهیه گردید. بطوریکه اعمال جراحی متوسط را می توانستیم انجام دهیم. از روز سوم استقرار، اعمال جراحی شروع شد. البته در آن درمانگاه کمتر از یک بیمارستان امکان عمل جراحی بود. زیرا طبقه آمکا- نات یک بیمارستان را نداشت. ما در این درمانگاه یک اتاق عمل مناسب و ۱۲ تخت بیمارستانی

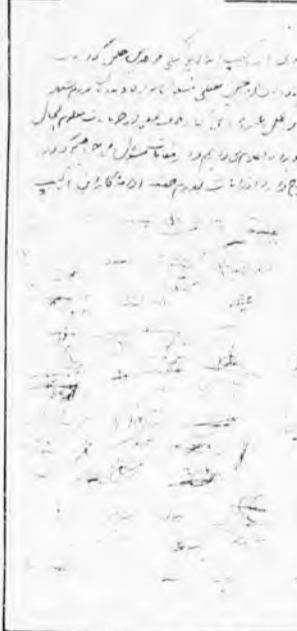


جند روز بعد هم جراح دیگری به اکب اعزامی ملحق می شود.

در آغاز کارهای تیم بحسبی پیروفت کرده و در مواردی بسیار چشمگیر بود. معنای مثال، اقدام به عمل موفقیت آمیز پیوند انگشت قطع شدهای می نماید که تاثر بسیار خوبی را همراه داشته است. با درنمونه دیگری، بیماری که تقریباً ۸ جای دندان در اثر ترکش حمله مملانی شده بود تحت عمل جراحی قرار گرفته است. با کسرتن کار و استقبال مردم از تیم پزشکی، کارکنان برخی مقامات

به طور جدی شکل می گیرد. فرمانده ساه جدید بار به بهداشتی مراجعه کرده و مقاصد تحلیفی آنها را می کند و موعنی که ما برخورد اصولی و فاطح برادران و خواهران بواحد می گردند دست به اقدامات ابتدائی زده و افراد تیم را تهدید می کند. آنهاجها را زیر نظر گرفته، و کسوی سربهای جفاها را بازرسی کرده و از آنان عکس می گیرند. حتی در مرحلهای دجتران سنج سنا بدون رعایت اسدائی ترین قوانین پزشکی. به اتاق عمل آمده و مزاحمت ایجاد می کنند.

از آنجا که عشق به تودهها و سق خدمت به آنان در قلب تک تک افراد تیم غلظور است، افراد تیم در مقابل تمام این مزاحمتها با منات برخورد کرده و هیچگاه موضع نگردد. این تیم در کنار فعالیت پزشکی به کارهای جنسی و بزه های نیز دست زده است. مثلاً مواد غذایی که از اسلام آباد می رسد توسط تیم نم می آوارگان جنگ تقسیم می شود. هر روزه دو نفر به تقسیم آذوقه بین مهاجرین مشغولند. سعی بر این است که نقاط دور دست نیز فراموش نگردد. حمایت بودهها باعث می گردد که برادران و خواهران با دلگرمی هرچه بیشتر به کار خود ادامه دهند آنها از بودهها می آموزند که ارزشهای انقلابی و بوحیدی هیچگاه فراموش سدنن نیست بودهها دوسان خود را به خوبی می شناسند. نامه های را که در زیر می خوانند با امضا، پیش از ۹۰ نفر از اهالی کرد و کارکنان بهداشتی بوسنه شده است.



تقریباً صفحه ۷

آدم و باز همین سوالات را کرد و سر- انجام گفت شما باید از طرف سیاه با جهاد به خط اول آتش آمده باشید جواب دادم از طرف جان خودم و برای دفاع از مردم و میهن به میدان جنگ آمده ام. چون صلاحیت جنگیدن دارم و اختیار جانم هم دست خودم است. نمی دانستم برای مردن در این راه هم باید اجازه بگیرم. فرد مذکور با حالتی توهین- آمیز گفت: " شما صلاحیت مردن در راه وطن را ندارید." و بعد دستور داد که: " او را به اندیمشک ببرید اگر سیاه اندیمشک او را می شناخت آزادش کنید و اگر نه بازداشتش کنید تا بعدا معلوم شود صلاحیت مردن در میدان جنگ دست چه کسی است." در این بین کسانی خواستند واسطه شوند که فایده نکرد. و بدین ترتیب همراه دو نفر صلح تحت الحفظ به سیاه اندیمشک برده شدم، در آنجا محمود فرخزاد که از قبل باهم دوست بودیم مرا دید. پرسید چرا

## مختصری از ...

تبریز ۱۱ آمل ۱  
زنجان ۵ جالوس ۱  
اسهر ۵ بابل و بابلسر ۴۱  
ماکو ۲ اهواز -  
اردبیل ۳ اندیمشک ۲  
سلماس ۱ رامهرمز ۱۸  
آذربایجان ۱ اصفهان ۴  
صومعه سرا ۱۳ کرمان ۱  
رودسر ۶ سوسان ۱  
لاهیجان ۳ بندرلنگه ۳  
رشت ۱۳ بندرعباس ۳  
لنگرود ۲ مرودشت ۱  
سیراز ۵ شیراز ۹  
سمنان ۴ قسا ۱  
شاهرود ۱ بوشهر ۱  
تهران ۷ نهاوند -  
سراوان ۲ خرم آباد ۱  
ایران شهر ۲ بروجرد ۳  
قائم شهر ۸۷ گرگان ۱۵  
ساری ۱ جمع کل ۲۷۵

## فرازهایی از ...

اما احمد برای زندگی کردن در جهت آرمانهای بوحیدی اس و برای نفس- کشیدن در میان مردم و به خاطر مردم احتیاجی به مقام و منصب نداشت. ملافاصله پس از برکناری، به سوی روستاهای طس شتافت و به مداوای مجروحین زلزله پرداخت. پس از آن نه میان خلق محروم و ستمدیدی سستان و بلوچستان رفت تا منجمله از طریق تخصص طبی اش، دردهای سی باستان را مختصر درمانی کند. دکتر احمد از درد آنان درد می گرفت و در نظر مردمی همواره برقررتان راهی نه سوی نجات می جست.

## فعالیت در امداد پزشکی مجاهدین خلق

مجاهد شهید احمد طباطبائی، خیلی پیش از این راه نجات را در آستان و اعتماد مجاهدین یافته بود. از این پس تمام وقت در میان خواهران و برادران مجاهدین زندگی می کرد و وظایف تشکیلاتی و درمانی خود را در میان آنان انجام می داد. از آغاز تشکیل مرکز امداد پزشکی مجاهدین، منظور ساندروزی در این مرکز خدمت می کرد. برخی از وظایف و مسئولیت- های او در این بخش به قرار زیر بود:

- ۱- عضو و مسئول شورای درمانی امداد مجاهدین.

## ۲- اعزام اکبهای امدادی به مناطق مصدوم.

دکتر حوات داد: " ما وقتی شما را می بینم انرژی می گیریم و حساسی موم." دکتر این حرف را نه از روی تعارف بلکه از جهت رفع نیازهای درمانی و داروئی زحمت کشان جنوب شهر.

## ۳- تلاش در جهت بستری کردن و معالجه مجروحین و معلولین ناشی از حملات ارتجاع به سسنگها و سخرانیهای مجاهدین

علاوه بر این بعنوان دکتر کشیک در بیمارستان جراحی خدمت می کرد که گلهی درآمد آن را در همین راه می گذاشت. بعنوان مسئول امداد پزشکی مجاهدین، آن هم در شرایطی که هر روز نیروها و هواداران مجاهدین مورد ضرب و ستم جنای بدسان قرار می گرفتند، دکتر احمد ابتازگانه آنچه که در توان داشت در این راه مایه گذاشت. در جریان حملات ارتجاع به مراکز مجاهدین، دکتر احمد گاه یک هفتدی تمام در مرکز امداد می ماند تا به مجروحین رسیدگی کند او توانست با سازماندهی درست و بستن کارفران ۳۵ تن از خواهران و برادرانی را که در محارای احدیه مجروح شده بودند سرعت بستری و مداوا نماید. مصروبین و مجروحین حوادث قائم شهر که به تهران اعزام شده بودند تمامی زیر نظر تقسیم دکتر معالجه می شدند. دکتر در تمامی این لحظات چه آن هنگام که جثمان خواهر و برادری بضر جانی ارتجاع از حدنه بیرون می آمد و چه زمانی که بر جنازه ی پاک شهیدی سوگ می- نشست، ارتجاع را با تمامی وجود لیس می کرد و به سختی مبارزه ای که در پی داشت ایمن می آورد. دکتر پیش از این، به هنگام تصدی استناداری، نیز عملکرد ارتجاع را به گونه ای دیگر و در قالب حمایت از فتودالها و غارتگران دیده بود. او نسبت به عملکرد آنان عینی بود. از این نیروهای پس- مانده ای اجتماعی جز این انتظاری نداشت. اما چند بار به شدت از

حرکات بیرحمانه ایان عصبانی و ناراحت شد. بیکار زمانی بود که در جریان انتخابات، قداوه بندان یا کاردیش (کاتر) به طلب یکی از برادران هوادار سازمان زده بودند. این برادر به همت دکتر از برگ نجات یافت. دکتر می گفت: فانیست هاهم این کار را نمی کنند. مورد دیگر زمانی بود که از نزدیک ریحهای طاقب فرمای خواهر شهید سبزی رسمی را، که با گلوهی ارتجاع فلج شده بود، مشاهده کرد. به هنگام حمله ی مسلحانه به مرکز امداد مجاهدین، دکتر در تمام لحظات در کنار سایر خواهران و برادران رزمندگانی، مورد آزار و تهدید و بوهن قرار گرفت. بار آخری که حافظاران مزدور، ساختمان امداد را اشغال و اموال آن را غارت کردند، دکتر در تمام مدت بهیام، در ساختمان باقی ماند و بماران سبزی امداد را به بمارستانهای دیگر رساند. بعد نیز توسط کمندوی منطقه ی ۱۵ دستگیر شد. وقتی هم که برای پس گرفتن آمولانس و وسایل غارت شده ی امداد، به کمیته مزاحمت کرد یا واکنش شد و منفی آنان روبرو سسنگل مرکز امداد پزشکی مجاهدین، بامردی و نشاط انسانی اش کمترین خللی وارد نمی ساخت. همیشه سناش و حندان بود. بیکار که برادر مجاهد مسعود رجوی برای عیادت بیماران به امداد آمده بود به دکتر



دکتر حوات داد: " ما وقتی شما را می بینم انرژی می گیریم و حساسی موم." دکتر این حرف را نه از روی تعارف بلکه از جهت رفع نیازهای درمانی و داروئی زحمت کشان جنوب شهر.

۴- تلاش در جهت بستری کردن و معالجه مجروحین و معلولین ناشی از حملات ارتجاع به سسنگها و سخرانیهای مجاهدین

علاوه بر این بعنوان دکتر کشیک در بیمارستان جراحی خدمت می کرد که گلهی درآمد آن را در همین راه می گذاشت. بعنوان مسئول امداد پزشکی مجاهدین، آن هم در شرایطی که هر روز نیروها و هواداران مجاهدین مورد ضرب و ستم جنای بدسان قرار می گرفتند، دکتر احمد ابتازگانه آنچه که در توان داشت در این راه مایه گذاشت. در جریان حملات ارتجاع به مراکز مجاهدین، دکتر احمد گاه یک هفتدی تمام در مرکز امداد می ماند تا به مجروحین رسیدگی کند او توانست با سازماندهی درست و بستن کارفران ۳۵ تن از خواهران و برادرانی را که در محارای احدیه مجروح شده بودند سرعت بستری و مداوا نماید. مصروبین و مجروحین حوادث قائم شهر که به تهران اعزام شده بودند تمامی زیر نظر تقسیم دکتر معالجه می شدند. دکتر در تمامی این لحظات چه آن هنگام که جثمان خواهر و برادری بضر جانی ارتجاع از حدنه بیرون می آمد و چه زمانی که بر جنازه ی پاک شهیدی سوگ می- نشست، ارتجاع را با تمامی وجود لیس می کرد و به سختی مبارزه ای که در پی داشت ایمن می آورد. دکتر پیش از این، به هنگام تصدی استناداری، نیز عملکرد ارتجاع را به گونه ای دیگر و در قالب حمایت از فتودالها و غارتگران دیده بود. او نسبت به عملکرد آنان عینی بود. از این نیروهای پس- مانده ای اجتماعی جز این انتظاری نداشت. اما چند بار به شدت از

یادوارهاش جویدان باد



# فرازهایی از زندگی مبارزاتی مجاهد شهید طباطبائی

والدین هاجروا فی سبیل اللہ تم قتلوا اوما توالیرقتیم اللہ رفا حساو ان اللہ لیبو حیرالرزاقین لیدخلنهم مدخلا یرضونه وان اللہ لعلم حلیم .

(حج آیات ۵۸ و ۵۹)

کسانی که در راه خدا هجرت کردند (و در این راه) کشته شده باشند، بی شک خدا ما روزی سگی زندگان دهد و بدرستی که خدا بهترین روزی دهد و امکان ساز است . آنان را در جایگاه آرمایی و ابد - انسان داخل می کند بدرستی که خدا آگاه بردار است .

بار دیگر شهیدی از مجاهدین خلق به کاروان عظیم شهیدای خلق پیوست شهیدی که شهادت معصومان است در راه حرکت به سوی جبهه ی مردم خلق با دشمن استالکر، در جبهه دیگری از جبهه و شهادت با بروی هم زمان می گوید - اگر بیست از آن در سال های گلگون حقیق برادران و خواهران مجاهدش در سزای شهیدان با مردوران شاه آمریکائی سخن می شنیدند و اگر بی از انقلاب در پیاجم مرجعانه از جبهه مظلومانه بدریای گرم شهادت می شدند، اکنون مجاهد شهید دکتر احمد طباطبائی، شهید سابرهمزمان شهیدی در جبهه ی جنگ بر علیه استالگران عراقی - به سنت شهادت بعد از ایامی بخشد .

## آغاز فعالیت های سیاسی

احمد در سال ۱۳۲۲ در آران کاشان در یک خانواده ی متوسط مذهبی بدنیا آمد . دوره ی ابتدائی و شکل اول متوسط را در زادگاهش گذراند و برای ادامه ی تحصیل به دبیرستان هروی شهران وارد شد . بدلیل برخورداری از روح پاک و آزاده از همین زمان ( دوران دبیرستان ) به فعالیت های مذهبی و اجتماعی کشیده شد و به علت همین فعالیت ها دوران متوسط سپریایی جلب و بازخواست گردید . سال ۴۱ وارد دانشگاهی برسی دانشگاه شهران شد . از این سال ها به بعد و بخصوص بی از کنگار و جنتائی ۱۵ خرداد فعالیت سیاسی - انرا در ارتباط با برخی از مبارزین دنبال کرد . مطالعه ی نیکتر گنت سیاسی - مذهبی و عددا ترک مسمر در حساب مسجد هدایت و درس آموزی از محضر بدرطالقانی ، استعداد او را در جهت قبول سئو - لبتهای انقلابی می کشد .

سال ۴۴ با تاسیس سازمان مجاهدین خلق ایران ، سست مبارزات سیاسی جامعه کشیده شد و راه نازهای در بیست های جوانان برور سلمان - که نمی توانستند در مقابل حاکمیت سیاه احتیاجی ساکت بمانند - کسوده شد . احمد که از نزدیک با برخی از مبارزان و اعضای سازمان همچون مجاهدین شهید محمدحسین نژاد ، سعید محسن ، رضا رضایی و علی باقری آشتائی داشت در جریان فعالیت های آنان و آمورش های ایذئولوپیک - سیاسی سازمان قرار گرفت . بعدها در زندان می گفت که شخصیت انقلابی محمد حنیف در زند و راهبایی او تاثیر سزائی داشته است . می گفت اگر محمد آقا نبود پای من به اس دنیای جدید باز نمی شد و الا آن همچون حمل بشمار می آمد در لحیراز زندگی دست و پا می زدم .

## استمرار و ادامه ی مبارزه در زندان

سب اول شهریور سال ۵۵ . دکتر احمد به اتفاق مجاهد شهید رضا رضایی برای دیدار مجاهد شهید علی ( شهروز ) باقری که به نازگی از فلسطین به ایران باز گشته بود ، به یک خانمی سیمی واقع در خیابان گلستان شهران می روند . این شب مصادف بود با یورش وحشانه ی مامورین ساواک به خانه های مهمی مجاهدین . در این یورش دکتر احمد نیز به همراه رضا و علی دستگیر و به تکجنگگاه اوین منتقل می شود و زیر نظر کمالی معدوم مورد تکجنگهای سندی قرار می گیرد . شدت تکجنگ به حدی بود که دکتر احمد با یابان زندگی برافتخارش از عوارض ناشی از آن رنج می برد . اما علیرغم این وحشیگری ها ، بدلیل مقاومت و برخورد سنجیده و زیرکانه ی دکتر درحمان نتوانستند از موقعیت او در سازمان آگاه شوند . ولی به هر حال

او را به دو سال زندان محکوم کردند دوران زندان او بسیار پر بار بود . حتی یک لحظه را در زندان از دست نداد خویندری ، برکاری و خود - جویی او به هم زجرهایش درس می - آموخت . سیکرانه روی قرآن و بهج - اللغایع مطالعه می کرد و نتایج ی تحقیقات خود را در آن شرایط سخت بسی ، محور - حورود در احتضار دیگر برادران اسیرین می گذاشت . علاوه بر این ، در سلول های تکجنگ کادها و در زندان های فرل حضار و نصرت و عجزوار همزمان بود . مجاهد شهید دکتر احمد طباطبائی در زندان ، اندوخته های علمی خود را در جهت ارتقاء دساوردهای اند - نولوپیک ، جویی به کار می گرفت . در مقابل زندانسانان روحنهای مداوم و سخت تایدیر داشت و همگناه زندان را مامان رسالت انقلابی اس می دانست .



او جواب منفی می دهد . از این بی در ارتباط با فرهاد به مبارزه با این احراق می بردازد . رستمان سال ۵۴ . به انتقام قائلت در زندان و اتحاد رابط ما بیگار دیگر توسط ساواک دستگیری می شود و مدت ۹ ماه در شرایط سخت تکجنگ و بازجویی در کمندی سترک به سر می برد ولی این بار سیر بلینس راه بجائی نمی برد و او را آزاد می کنند . برخورد خویندر و بیجنددی دکتر مانع از آن می شد که کسی در برخورد سطحی به عمق و محتوا ی بی سرد . همگناه اهل نظر و خودمانی و ظاهر سازی نبود . حیانتا بوروسیت های جنتما . شهادت فرهاد صفا و سایر مجاهدین صرات بی در بی بلینس به نیروهای انقلابی ، باعث جدا افتادن دکتر احمد از بازاران برانگنده ی مجاهدین می گردد . اما این دوری دبری نمی - باید . ما اوج گیری نیام مردم و آزادی مجاهدین اسیر . دکتر بندر سراج بارانش را باز می یابد .

## موضع گیری قاطع در مقابل فئودالها و حامیان مرتجعشان در کنگد

مجاهد شهید دکتر احمد طباطبائی در ادامه ی فعالیت هایش ، طرح تقسیم ارضی را که سر آغاز حلع بد از فئودالها و مرتجعین منطقه بود به عنوان راه حل اساسی مناقشات منطقه ، در شورای انقلاب فرساده و به دنبال آن کمیسونی مرکب از ۵ نفر را برای اجرای صحیح و کامل آن بوجود آورد . خود بی گفت هر طور شده باید تا بنیاد دستان این طرح بر سر کار ستانم آن وقت اگر بیرون کردند مهم نیست به هدم رسیده ام . اقدام انقلابی او در مورد تقسیم

دکتر احمد در مناطق آران ، کاشان و نظیر سایر شرانی در رشد فکری جوانان می گذارد . مردمی که بر اثر برخورد های انسانی اس ندعا محدود او بودند بدشال او بر علیه رژیم فاسد شاه سازده می کردند . مجاهد شهید دکتر احمد طباطبائی در جریان انقلاب سال ۵۷ ، نفس مهمی در سنج و سازماندهی مردم این مناطق داشت و با طرح و هدایت او ساگا و اندازدهی آران توسط جوانان انقلابی شهر سخیر گردید . همدهای اول بی از انقلاب خود را با نظم و قاطعیت خاصی در باسگاه فرماندهی می کرد و باسازاری از منطقه را برعهده داشت . اوائل فروردین سال ۵۸ است - نداری مبارذاران را بدیرقت دکتر احمد بخوسی آگاه بود که بدلیل حضور نیروهای اربحائی و فئودال در منطقه اقدامات انقلابی او با واکنش سخی روبرو خواهد شد ، اما او بخاطر حفظ دساوردهای انقلاب اس خطر را جان حیرد و به جنگ با حشها و مشکلات سافت در دوران صدی اسناداری مودهی واقعی یک سلمان انقلابی را در تمام رستدها عرضه کرد . ساندروز بی - وفقت با آنجا که امکان داشت برای نجات دهقانان و کارگران و سایر فرس - های زحمتکش شهری از حشکال فئودالها و سرمایه داران و حامیان مرتجعان مبارزه کرد . برای روستائیان امکان و آزادی شکل سوره های اصل دهقانی را فراهم آورد و برای رسیدگی به وضع کارگران و دفاع از آنان در مقابل استعمارگران ، گروهی از جوانان ناوطلب انقلابی را مسئول رسیدگی به کار سرکها کرد .

# وصیت نامه مجاهد شهید طباطبائی

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اینکه که جنگ با حواستهای بر خلق قهرمان ما تحمیل شده و خلق تحت ستم ، در غربت و جنوت کشور در زیر ستم و آتش سخت ترین روزهای خود را می گذراند ، اینکه که در صحوحتی جنگ خاما سوز هنوز هم مرتجعین بالترین فشارها را بر نیروهای انقلابی سازمان برافتخار مجاهدین خلق ایران وارد می آورند و حتی از حشکدن آنها در کنار مردم ستمدیده ، جلویگیری می کنند ، بنا به حکم آرمان انقلابی سازمان مجاهدین که تبلور مکتب توحیدی است و در عرض ۱۵ سال نهال آن با خون پاکترین فرزندان خلق ، چون حسین نژاد ، سعید محسن و اصغر بدیع زادگان آبیاری شده و اینک با تلاش و مجاهدت حشکئی باید برترین یادگارهای آن چون سعید و رجوی ها و خیابانی ها به بار می نشیند ، به عنوان وظیفه ی انقلابی به جسبه ی روم باشد نتوانم گامی کوچک در راه خدا و خلق قهرمان ایران برداشته و کمترین دین خود را در پیشگاه خدا و خلق ادا کرده باشم .

## مبنی قایب شده وصیت نامه

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم انصر المجاهدین الذین قالوا ربنا اللہم استعانوا

نام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

اینکه که جنگ با حواستهای بر خلق قهرمان ما تحمیل شده و خلق تحت ستم ، در غربت و جنوت کشور در زیر ستم و آتش سخت ترین روزهای خود را می گذراند ، اینکه که در صحوحتی جنگ خاما سوز هنوز هم مرتجعین بالترین فشارها را بر نیروهای انقلابی سازمان برافتخار مجاهدین خلق ایران وارد می آورند و حتی از حشکدن آنها در کنار مردم ستمدیده ، جلویگیری می کنند ، بنا به حکم آرمان انقلابی سازمان مجاهدین که تبلور مکتب توحیدی است و در عرض ۱۵ سال نهال آن با خون پاکترین فرزندان خلق ، چون حسین نژاد ، سعید محسن و اصغر بدیع زادگان آبیاری شده و اینک با تلاش و مجاهدت حشکئی باید برترین یادگارهای آن چون سعید و رجوی ها و خیابانی ها به بار می نشیند ، به عنوان وظیفه ی انقلابی به جسبه ی روم باشد نتوانم گامی کوچک در راه خدا و خلق قهرمان ایران برداشته و کمترین دین خود را در پیشگاه خدا و خلق ادا کرده باشم .

بقیة از صفحه اول

# گزارشی از مراسم تشییع جنازه مجاهد شهید دکتر طباطبائی



... که شهیدان گاندین همه خونین گفتان

مسئول، صبورانه در مقابل حرکات زشت آنان، جوابی جز اللہ اکبر و لا اله الا اللہ نمی داد.

نظم و بردباری انبوه جمعیت تشییع کننده تاثیر خوبی در مردم منبیر حرکت گذاشته بود. آنان عموماً حرکات فالانژها را، که در این موقعیت حساس عامل تفرقه و درگیری در صفوف خلق اند، محکوم می کردند. شرکت کنندگان در مراسم ساعت ۱/۵ بعد از ظهر از نقاط حنیف، نژاد - مولوی، به وسیله اتوبوسهایی که از پیش آماده شده بود عازم بهشت زهرا گردیدند. البته تعدادی از اتوبوسها بیش از رسیدن جمعیت، با تهدید عناصر مسلح و غیرمسلح ضد مجاهد مجبور به ترک محل خود شده بودند و اتوبوسهای باقیمانده بهیچوجه گنجایش انتقال جمعیت را نداشت.

## اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره شهادت مجاهد خلق دکتر احمد طباطبائی

بیتام خدا

بندم خلق قهرمان ایران  
 " و من یخرج من بینة مهاجر الی اللہ و رسولہ ثم یدرک الموت فقد وقع اجرہ علی اللہ"  
 کسی که از خانش به سوی خدا و رسولش (در مسیر آرمانهای توحیدی و مردمی) هجرت می کند و در این راه مرگ او را درمی یابد، به تحقیق که پادشاه او بر خدا است.

"مجاهدین خلق ایران" با نهایت تأثر شهادت برادر مجاهد دکتر احمد طباطبائی "عضو سازمان مجاهدین خلق ایران (اولین استاندار مازندران پس از انقلاب) را که به سرپرستی یک گروه امداد پزشکی مجاهدین خلق عازم جبهه های مقاومت جنوب و جنوب غربی کشور بود به اطلاع هموطنان عزیز می رساند.

برادر مجاهد و پزشک انقلابی و فداکار دکتر "احمد طباطبائی" در حالی که به منظور کمک به هموطنان قهرمانی که در مناطق جنگ زده به مقاومت در برابر تجاوزات عراق ادامه می دهند، عازم جبهه بود در نیمه شب ۲/۳ آبان ۵۹ در سر راه خود به اهواز در نزدیکی خرم آباد طی یک سانحه تصادف به شهادت رسید.

شهید مجاهد دکتر "احمد طباطبائی" از سالها قبل در سازمان مجاهدین خلق ایران در راه آرمانهای توحیدی و انقلابی مبارزه می کرد و به همین خاطر سالهای ۵۵ تا ۵۲ را در زندانهای رژیم شاه بسر برد. همچنین بخش مهمی از فعالیت های امداد پزشکی مجاهدین خلق ایران در سراسر کشور در دوره پس از انقلاب موهون رحمت و فداکاری های او بود.

شهادت این پزشک انقلابی و مجاهد در شمار سایر شهیدان مجاهدین خلق در جبهه های جنگ مقاومت مردم ستیز ساکنان است که باریگر سهمت های ارتجاعی منبری بر گناه گیری مجاهدین خلق از مقاومت انقلابی در مقابل تجاوز عراق را در پیشگاه خلق افشا می نماید.

ما امیدواریم که لاقلاً به پاس حرمت خون این شهیدای مجاهد، محافل انحصار طلب از سهمت پراکنی های وسیع خود در گوشه و کنار کشور دست بردارند و به فشار و تضییقاتی که بر نیروهای مجاهدین در جبهه های مقاومت تحمیل می شود، خاتمه بخشند و امکانات و تسلیحات لازم را در اختیار نیروهای جان برکف مجاهد خلق قرار دهند تا بتوانند وظائف انقلابی خود را در راه دفاع از مردم و میهن به انجام رسانند راهی که آرمان برادر مجاهد "دکتر احمد" بود و خود در مسیر آن به شهادت رسید.

مراسم تشییع جنازه و بزرگداشت برادر شهیدان متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید.  
 مجاهدین خلق ایران  
 ۵۹/۳ آبان

گردد. شهیدی از جبهه های جنگ جنوب و از شمار پاک حنیف. ساعت یازده صبح این روز خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) ملو از جمعیتی بود که برای پاس داشتن خون طیب انقلابی و بیدارشان کرد هم آمده بودند. تشییع کنندگان که تعدادشان به سی هزار تن می رسید در صفوف منظم متشکل شده بودند. در در جلوی جمعیت، صف پزشکان و پرستاران متعددی که با همکار شهید - شان دردی مشترک داشتند، جلوه خاصی به مراسم داده بود. ساعتی بعد جمعیت با شمار اللہ اکبر و لا اله الا اللہ آغاز به حرکت کرد و خیابان حنیف نژاد را تا تقاطع مولوی به آرامی پیمود.

در حین حرکت، شرکت کنندگان شعارهایی نیز منبری بر تجلیل از مجاهد شهید و محکوم کردن تجاوز عراق می دادند: خون طباطبائی منعل بیکار ما رقت به راه خدا پزشک بیدار ما خون طباطبائی منعل بیکار ما رقت به راه خدا مجاهد خلق ما ملت ما بیدار است از تجاوز بیزار است تجاوز محکوم است. خلق ما بیروز است. آمبولانس حامل جنازه، در حالی که از بلندگوی آن آوازی از کلام اللہ مجید و اشعار انقلابی پخش می شد، به آرامی در میان انبوه جمعیت حرکت می کرد. تشییع کنندگان با خود عکسهای از دکتر شهید و نیز پلاکاردهایی با

عالمه رژیم شاه مبارزه نمود. پس از انقلاب به منظور تداوم مبارزه ی ضد امپریالیستی و ضد استعماری به مجاهدین خلق روی آورد و در شوشتر در کنار سایر خواهران و برادران هوادار سازمان تلاش بیگونی را در جهت توزیع اطلاعاتیها و نشریات سازمان به عمل آورد. بارها می گفت که برترین راه راه رضایی است. با وجود فقر مالی و در اوج تنگدستی پول های خود مردم متعلق داشت، او از مجاهدین بود. "مادر شهید انضامی می کرد که فرزندش در راه رجویها قدم گذاشته بود.

۴- برادر شهید حسن برمایون (آبادان). دبیر مدرسه رضایی و عضو شورای علمین مسلمان بود. خطوط سازمان را با علاقه ی خاصی دنبال می کرد. در جریان جنگ، کمکهای

دوستان رزمندگانش در آن روزها، بانکهای شهرو اتوبوسهای شرکت نفت و باشگاه نفتون را به آتش کشید. به طور مشخص در جریان انتخابات ریاست جمهوری و بعد انتخابات مجلس، بطور فعال در جهت مجاهدین خلق فعالیت می کرد. خودش گفته بود که سازمان مجاهدین بهتر از هر جریان دیگری موضعگیری می کند.

اعضا و هواداران مجاهدین خلق ایران، علیرغم فشارها و محدودیتهای موجود، در کنار توده های محروم و انقلابی، در جبهه های جنگ بر علیه نیروهای تجاوزگر می جنگند تا خاک میهن شهیدان را همچون همیشه از وجود بیگانه و بیگانه پرستان پاک کنند. آنان با خون خود، پیام سرخ رهائی را بر بیکر همواره زنده ی وطن ترسیم می کنند، مانند تا در فرودهای بهتر، این خلق ستم دیده، به همت بیستارگان جان برکف انقلابی، فارغ از تمامی نوظنهای امپریالیستی و جنگ های تحمیل شده ی ارتجاعی، رسالت تاریخی اش را در برپایی ایمن تا برپایی جامعه ی فسط توحیدی به انجام رساند. تاکنون اسامی ۹ تن از برادران و خواهران شهید در مناطق جنگی به درودهای روان پاکشان، مختصری از زندگی مبارزاتشان را در اینجا می آوریم. ۱- برادر شهید حمید افتخاری (شهید در جبهه ی خونین شهر)؛ حمید فرزند رنج دیده ی یک خانواده ی کارگری بود و خودش نیز با کارگری بزرگ شد. در جریان مبارزات سیاسی، به مجاهدین روی آورد و به عنوان یک وابسته ی فعال به دفاع از آرمانهای سازمان پرداخت. همواره در مقابل فشارهایی که به هواداران سازمان در خرمشهر وارد می شد مقاومت می کرد. برای نمونه در جریان حمله جفاقتاران به یکی از مراکز فعالیت هواداران (دکته ی عسائی) سندی در مقابل مهاجمین ایستادگی کرد و به همین دلیل دستگیر شد. او را به شدت کتک زده بودند. همچنین در جریان حمله ی مهاجمین به تعاونی حنیف به دفاع از تعاونی پرداخت. این بار نیز دستگیر شد و مجموعاً ۵۵ ضربه شلاق خورد. آثار ضربات شلاق ناهنگام شهادت بر بدنش باقی مانده بود. در زندان از روحیه ی قوی برخوردار بود. با صدای بلند سرود می خواند ولی به دلیل درد ناشی از ضربات نمی توانست بخوبی در مراسم

## مختصری درباره شهدای سازمان در جبهه های جنگ

پشت جبهه های می نمود. در محله ی سده بر اثر اصابت ترکش خمپاره ی دشمن به شهادت رسید. ۵- برادر شهید سعید ایرانهیر (آبادان). سعید آموزگار و ساکن یکی از روستاهای آراک بود. چهار روز قبل از شهادتش به آبادان رفته و در رابطه با شورای دفاعی هواداران سازمان (واقع در محله ی بازگان) به فعالیت می پردازد. در تاریخ ۸/۲ هنگامی که در ایستگاه پنجم بازگان برای کمک به سیگار فروشی که بر اثر انفجار خمپاره مجروح شده بود میروید به علت اصابت ترکش خمپاره ی دشمن شهید می شود. به هنگام شهادت، در حبش تعدادی قبض کمک مالی به سازمان و فهرستی از کمک های مالی دریافتی و نیز عکسی بر مزار مجاهد شهید مهدی رضایی وجود داشت. ۶- خواهر شهید توران بخسبازی (شوشتر). میلشای شهید توران بخسبازی در سال ۱۳۴۲ در یک خانواده ی زحمتکش بدینا آمد. پدرش کارگر شرکت نفت بود. سه ماه پس از تولدش پدر را از دست داده و زندگی سخت و پر رنجی را تحت سرپرستی خواهر و مادرش ادامه می دهد. در طول زندگی کوتاهش فقر و استعمار را با توست و استخوان خود حس کرد. در جریان قیام شکوه مند خلق، با شرکت فعال در تظاهرات و راهپیمایی ها بر

بیرون می آید که با زنگار مسلسل دشمن به خون می غلند. در آخرین لحظات زندگی پرافتخارش توسط پاسداری که بالای سرش بوده نرسد. برادران همراهش سلام می رساند. پاسدار سرور نقل کرده بود که من از شهادت حمید بشیر از شهادت برادرم ناراحت شدم زیرا آثار نازیبا به هنوز بر پستش باقی مانده بود. ۲- برادر شهید احمد حسین بخسبازی: در خانواده ی فقیر در آبادان متولد شد. مدتی پس از انقلاب به مجاهدین خلق گرایش پیدا کرد و به صورت یک هوادار فعال سازمان درآمد. در جریان انتخابات ریاست جمهوری در جهت تبلیغ برادر مجاهد سعید رجوی فعالیت می کرد. بطور منظم با بساط فروش کتابها و نشریات سازمان که از طرف هواداران در محله شان برپا شده بود همکاری می نمود. در فروش نشریه ی مجاهدین نقش موثری داشت. در جریان جنگ، روز ۷/۵ با مراجعه به سپاه اسلحه می گیرد و به جبهه ی جنگ با تجاوزگران می رود و به دلیل اصابت گلوله ی آری بی جی ۷ به ناحیه ی کمر، روز ۲۱/۷ به شهادت می رسد. ۳- برادر شهید فریدون صالح پور (مسجد سلیمان): قتل از انقلاب از جوانان فعال محله ی نفتون بود که در جریان قیام توده ای ۵۷ در عملیات قهرآمیز بر علیه رژیم شاه شرکت داشت. با کمک



مجاهد شهید فریدون صالح پور

رومی مبارزه ی ضد امپریالیستی ناکید زیادی داشت. در جریان سبل خوزستان یکی از مهره های فعال کمک رسانی به مردم بود. علیرغم اینکه به خدمت سربازی مشغول بود هرگاه فرصتی می یافت و مرخصی می گرفت به شهر می آمد و بطور فعال با هواداران سازمان همکاری می کرد. روز ۷/۱۱ به هنگام نبرد با نیروی متجاوز در جبهه ی خونین شهر به همراهی چهار نفر دیگر به دلیل اصابت خمپاره ی دشمن به شهادت می رسد. ۴- مراسم تشییع جنازه و ختم و شش هفت شهید با شرکت عده کثیری از مردم، از طرف خانواده ی شهید و هواداران سازمان در مسجد سلیمان برگزار گردید. کاندیدای مجاهدین خلق در مجلس (محمد روزبان) نیز در این مراسم شرکت داشت. برادر شهید می گفت: "ما نباید ناراحت باشیم، فریدون از ما نبود، او به

مجاهد شهید توران بخسبازی را برای کمک به سازمان جمع آوری می کرد. به هنگام حملات ارتجاع به پاری همزمان خودش می شناخت و با آنچه در توان داشت از آنان دفاع می کرد. به خواهر و مادرش گفته بود: "اگر شهید شدم کتابهای مرا در اختیار سازمان بگذارید، و در مرگ همچون مادر رضاییها صبر انقلابی داشته باشید و راهم را ادامه دهید." مادرش نقل می کرد که روزی توران به خانه آمد و گفت: "من به بگوئید متناقض: ضد انقلاب! سپس خندید و گفت: "اما من به راهم ایمان دارم و افتخار می کنم که هوادار مجاهدین هستم و در فعالیت های اجتماعی و سیاسی و کلاس های آموزش نظامی از خود جوشی و پشتکار برخوردار بود. نیمه ی دوم شهریور امسال در جریان برگزاری نمایشگاه هفته ی پدرتالقاتی، شرکت فعال داشت. در جریان جنگ تحمیلی به عنوان پشت جبهه برای خواهران و

برادران رزمندگانش تلاش می کرد، و عاقبت نیز روز شنبه ۷/۵ غلبت مبارزان میگهای عراقی به همراه ۴ تن دیگر به شهادت رسید. مراسم تشییع خواهر شهید با شرکت فعال هواداران سازمان در شوشتر انجام گرفت. ۷- برادر شهید حاسم عتیقی (خونین شهر) حاسم دانش آموز سال سوم خدمات دبیرستان بازرگانی بود و حدود ۱۷ سال سن داشت. فعالیت خودش را در رابطه با هواداران سازمان، از جریان انتخابات ریاست جمهوری آغاز کرد و پس از مدت کوتاهی بصورت یکی از اعضای فعال انجمن هواداران خونین شهر درآمد. همه روز از صبح تا ساعت ۲ بعد از ظهر نشریه ی مجاهد را در میان کارمندان ادارات و شرکت ها توزیع می کرد. در جریان سبل خرمشهر بطور فعال در گروه امداد مجاهدین شرکت داشت. و بالاخره نیز به دلیل انفجار خمپاره ی دشمن، در جبهه ی خونین شهر به شهادت رسید. ۸- برادر شهید اردشیر آزهی (آبادان). اردشیر کارمند کارآزموز پتروشیمی بوده است. ساعت یازده و نیم شب در منطقه لاین ۳ هنگامی که برای کمک به مجروحین انفجار خمپاره ی - رود خودش نیز خود اصابت گلوله قرار گرفته و شهید می شود. ۹- برادر شهید خدارحم رودی (آبادان). کارگر شهید خدا رحم متولد برازجان بود. از کودکی به دلیل شرایط سخت خانوادگی مجبور به کار کردن و تأمین مخارج خانواده گردید. از ۱۶ سالگی به آبادان آمد و به عنوان کارگر در شرکت نفت استخدام شد. وی پدر ۴ تن از هواداران فعال سازمان می باشد و نیز با مطالعه نشریات کارگری مجاهدین، خطوط سازمان را دنبال می کرد. شهادت برادرش انفجار خمپاره ی دشمن، درود به تمامی شهدای خلق

عالمه رژیم شاه مبارزه نمود. پس از انقلاب به منظور تداوم مبارزه ی ضد امپریالیستی و ضد استعماری به مجاهدین خلق روی آورد و در شوشتر در کنار سایر خواهران و برادران هوادار سازمان تلاش بیگونی را در جهت توزیع اطلاعاتیها و نشریات سازمان به عمل آورد. بارها می گفت که برترین راه راه رضایی است. با وجود فقر مالی و در اوج تنگدستی پول های خود مردم متعلق داشت، او از مجاهدین بود. "مادر شهید انضامی می کرد که فرزندش در راه رجویها قدم گذاشته بود.

رومی مبارزه ی ضد امپریالیستی ناکید زیادی داشت. در جریان سبل خوزستان یکی از مهره های فعال کمک رسانی به مردم بود. علیرغم اینکه به خدمت سربازی مشغول بود هرگاه فرصتی می یافت و مرخصی می گرفت به شهر می آمد و بطور فعال با هواداران سازمان همکاری می کرد. روز ۷/۱۱ به هنگام نبرد با نیروی متجاوز در جبهه ی خونین شهر به همراهی چهار نفر دیگر به دلیل اصابت خمپاره ی دشمن به شهادت می رسد. ۴- مراسم تشییع جنازه و ختم و شش هفت شهید با شرکت عده کثیری از مردم، از طرف خانواده ی شهید و هواداران سازمان در مسجد سلیمان برگزار گردید. کاندیدای مجاهدین خلق در مجلس (محمد روزبان) نیز در این مراسم شرکت داشت. برادر شهید می گفت: "ما نباید ناراحت باشیم، فریدون از ما نبود، او به

بقیه رصفحه اول

# چرا تجویز شرکت در دفاع را خواستار شدیم؟

لازم به یادآوری است که برخی جریان‌هایی که چه با پوش مذهبی و چه با آفتاب و رنگ غیرمذهبی زست شدیداً ضد لیبرالی می‌گیرند و در حقیقت جوهر تمام تئوری‌هایشان توجه خضوع و التماس در قبال قطب مسلط است، هم‌آوا با جریان‌های تفرقه‌افکن از این بازار آشفته استفاده کرده، دست مباحث و ناز برعلیه مجاهدین زدند و از فرصتی که عاقبت‌جوئی‌ها و نان به نرخ روز خوردن‌هایشان برای انتشار نشریات در اختیارشان گذاشته استفاده کردند تا شاید در سایه کوبیدن ما در آینده از خان‌بغای قطب مسلط بهره‌ای گیرند.

کردند و ما اندیشیدیم که ذکر حمله "در صورت مجاز بودن" یا می‌تواند پاسخ مثبتی را از طرف مقام مسئولی به همراه داشته باشد و نتیجتاً اشکال‌تراشی‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها لاف‌لاف غیرقانونی تلقی شود و گرنه اتمام حجتی خواهد بود.

به هر حال یکی از نکاتی که این روزها بارها و بارها "علم" شده و در مورد آن هوجویی‌گری به راه انداخته‌اند عبارت "در صورت مجاز داشتن" بود که در اعلامیه‌ی نخستین ما در مورد دفاع از حقوق حقیقی مردم در قبال تجاوز عراق بکار برده‌ایم، که گوئی به قول آقایان، مجاهدین برای توحیه شرکت نکردن در دفاع از میهن خواسته‌اند تا این جمله روی قصه "گناه شرعی" بگذارند.

آری، آقایان اگر نمی‌دانند که هم‌اکنون نه تنها در درون نهادها علی‌رغم این که کودکانی‌ها را می‌بدرند، طرفداران مجاهدین را اگر شناسند به سرعت کنار می‌گذارند حتی خواهران و برادران ما در محلات ندرتا می‌توانند وارد صفوف نسج بشوند و حزب و گروهی که به آنجا هم دست انداخته‌اند با کمک اعداوان و اعمارشان هواداران ما را راه نمی‌دهند. استاد مندرج در همین شماره برخی از این ممانعت‌ها را حتی در میدان جنگ‌ستان می‌دهد.

آیا واقعا؟ برای خود این آقایان امر متعنه شده و فکر می‌کنند در صورت فقدان "اجازه رسمی" مجاهدین آنچه را که مطابق با رضای خدا و به نفع خلق بدانند از اقدام به آن کوباهی می‌کنند؟ مگر این آقایان فراموش کرده‌اند که مجاهدین آنگاه که غالب این افراد در داخل و خارج کشور انواع و اقسام لباس‌های عاقبت را بپوشانند و شکل‌های گوناگون به تن می‌کردند و برای تغییر چهره‌ی سازشکارشان خود را به گلاهِ شرعی و با توحیه علمی مریس می‌کردند مجاهدین برای آغاز بیگاری می‌آمدند بر علیه امپریالیسم و دیکتاتوری و ثنا کردن در دریای خون و آتش منظر هیچ اجاره‌ای نداشتند؟

نمی‌توانیم بگوئیم که بیروزی انسان در مقابل ارتش‌های کلاسیک و ابزار جنگی آنها هم چون به حریم‌های تبلیغاتی برای قدرت - طلبی‌ها تبدیل شده، هاله‌ای از نمی‌یواند جای ارتش خلق را بگیرد؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا باید گوئیم که بیروزی و شکست در یک نبرد با دو برداشت کاملاً متفاوت و متضاد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در یک برداشت کلاسیک و در واقع سکون‌گرایانه بیروزی سه تعادل و تقابلی ساکن نیروهای دو طرف نسبت داده می‌شود. به این معنا که مثلاً "در یک محاسبه تعداد نفرات، تجهیزات و سازمان یافتگی دو طرفی که در حال جنگ هستند بررسی می‌شود و در نهایت چنین اظهار نظری می‌شود که ارتش محظوظتر و نفرازشتری دارد برنده خواهد شد.

مگر آقایان فراموش کرده‌اند که پس از پیروزی انقلاب هم ما علی‌رغم توصیه‌های ایشان برای قدری "معدل‌تر" بودن هم‌رکز برای یافتاری روی اصول اعتقادی هر صورت ساززی می‌آمد بر علیه هر نوع انحراف از مسیر مبارزه‌ی راه‌پای خست ضد امپریالیستی منظر هیچ اجاره‌ای از هیچ مقامی ننشدیم؟ امروز که نه تنها ما را "مجاز" نداشتند بلکه در همان شهرهای آبادان و اهواز هم که زیر فشار سماران دشمن است جادار امداد ما را جمع می‌کنند، برادران و خواهران ما را دستگیر و مورد ضرب و شتم و حتی مورد تیراندازی قرار می‌دهند، مگر ما میدان را خالی کرده‌ایم؟ اگر می‌خواهید و صدای خمپاره و توب آسایش فکری‌مان را بهم نمی‌زند قدم رنجه فرموده بروید و ببینید. در اینجا مسکن است سوال نشود:

راستی چرا چنین جمله‌ای را گفتیم؟ "اولاً" ما خود بی‌ایستایی می - دانستیم و تجربه‌ی بیست ماه اخیر به ما آموخته بود که حتی زیر شدیدترین فشارها از طرف متجاوز خارجی هم حرص قدرت‌طلبی و خصوصیت تفرقه‌افکنی به برخی اجازه نخواهد داد که اگر امکانی در اختیار ما نمی - گذارند لاف‌لاف مانع راه ما برای فعالیت با تکیه بر امکاناتی که توده‌ها در اختیار ما می‌گذارند نشوند. چرا که ما دیده بودیم که حتی با بکار بردن عنوان مبارزه‌ی ضد امپریا - لیستی (ونه حرکت عملی در جهت مبارزه‌ی ضد امپریالیستی) به منابهی چماتی برای کوبیدن ما استفاده

هدید واقع می‌شود. مردم شهرها و قصبات با جان و دل و جنگ و دندان از آن دفاع می‌کنند و چه سا در مواردی چند روز مقاومت آنها نتواند سرنوشت جنگ را تغییر دهد. مثال بارز آن مقاومت قهرمانانه‌ی مردم بندر مصری برت سعید در زمان جمال عبدالناصر و در مقابل تجاوز و حشانه‌ی امپریالیست‌های فرانسوی بود. آنها چند روز ارتش متجاوز فرانسه را در بندر برت سعید متوقف کردند و در همین فاصله اقدامات سیاسی و معادلات بین‌المللی هم به عنوان شرط خارجی به کمک آمد و فرانسه محصوره عقب‌کشیدن نیروهای خودش. این روزها به نظر می‌رسد مسالده‌ی بیروزی انسان در مقابل ارتش‌های کلاسیک و ابزار جنگی آنها هم چون به حریم‌های تبلیغاتی برای قدرت - طلبی‌ها تبدیل شده، هاله‌ای از نمی‌یواند جای ارتش خلق را بگیرد؟

## مهمترین درس از مقاومت‌های قهرمانانه خونین شهر و آبادان

در یک دیدگاه صحیح و غیر حامد که پدیده‌ها را در تغییر و حرکت دائم می‌بیند و نه همین دلیل در جریان تغییر و حرکت نقاط ضعف را قابل تبدیل به نقاط قوت را قابل تبدیل به ضعف می‌داند اصل معادل‌فواصل دیگری مورد نظر است. در این دیدگاه در یک گلام و به دور از هر نوع بحث‌های گسترده، دشمن خلق در نتیجه‌ی مقاومت طولانی مدت توده‌ها به ندیری از درون دچار شکاف‌هایی می‌شود که سرانجام مجبور به ترک صحنه می‌شود و بدین شکست است. مثلاً "وقتی که مردم ویتنام مقاومت می‌کنند و در نهایت با تکیه‌ها به خانه‌شان باز نمی‌گردند این مساله نهایی دلیل نیست که آمریکا دیگر سرزاری ندارد و با سلاح‌هایش تمام شده، بلکه مقاومت خلق ویتنام از یک طرف به تدریج ضریات تعیین کننده‌ی سر دردت نظامی آمریکا وارد می‌کند و از طرف دیگر باز سنگین هزینه‌ی جنگ را بر دوش اقتصاد سرمایه‌داری می‌

در یک دیدگاه صحیح و غیر حامد که پدیده‌ها را در تغییر و حرکت دائم می‌بیند و نه همین دلیل در جریان تغییر و حرکت نقاط ضعف را قابل تبدیل به نقاط قوت را قابل تبدیل به ضعف می‌داند اصل معادل‌فواصل دیگری مورد نظر است. در این دیدگاه در یک گلام و به دور از هر نوع بحث‌های گسترده، دشمن خلق در نتیجه‌ی مقاومت طولانی مدت توده‌ها به ندیری از درون دچار شکاف‌هایی می‌شود که سرانجام مجبور به ترک صحنه می‌شود و بدین شکست است. مثلاً "وقتی که مردم ویتنام مقاومت می‌کنند و در نهایت با تکیه‌ها به خانه‌شان باز نمی‌گردند این مساله نهایی دلیل نیست که آمریکا دیگر سرزاری ندارد و با سلاح‌هایش تمام شده، بلکه مقاومت خلق ویتنام از یک طرف به تدریج ضریات تعیین کننده‌ی سر دردت نظامی آمریکا وارد می‌کند و از طرف دیگر باز سنگین هزینه‌ی جنگ را بر دوش اقتصاد سرمایه‌داری می‌

## مجاهدین خلق ایران - شاخه خوزستان شهادت ه تن از...

می‌گردید قهرمانانه از شهروندان و مردم خود، دفاع نمودند و در این راه شهادی گرانقدری را به پیشگاه خدا و خلق تقدیم نمودند. مجاهدین شهید توران بختیاری از شوش و جاسم غلیلی و احمد حسین بختیاری و حمید افشاری در خرمشهر و حسن فرمایون و اردشیر ذری در آبادان و سعید اسداللهی در آغاچاری و فریدون صالح‌پور در مسجد سلیمان و اسحاق عبیدی گماری از اهواز در کنار دیگر خواهران و برادران زنده‌شان با باقی‌ماندن در شهرهای دفاع مسلحانه و شرکت در صف مقدم جبهه و تشکیل شوراها و دفاع و ستادهای مقاومت و ایجاد چادرهای امداد و ساختن پناهگاه‌ها... پرداختند و سرانجام حین انجام وظائف و مسئولیت‌های مردمی خویش جان باختند. شهادت این قهرمانان را به هم‌زمانان و مردمی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند تبریک و تسلیت می‌گوئیم.

چون این شهیدان را در چهره واپس‌گرایانی است که با سو استفاده از تریبیتهای عمومی به تبلیغات تقاق افشانه خود ادامه داده و علیه مجاهدین خلق ایران و نیروهای جان برکف آن فضای گرده و مجاهدین را به تخریب‌گری از مقاومت در برابر متجاوزین عراقی متهم می‌سازند، غرض - وری و وضیت این افراد با مجاهدین خلق چنان جلوی چشم‌شان را گرفته که شهید و مجروحین و نیروهای متشکل و سازمان‌یافته‌ی ما را که در خرمشهر و آبادان دفاع قهرمانانه از مردم مشغولند نمی‌بینند. و چون مجاهد شهید حمید افشاری که در صف مقدم جبهه در خرمشهر در جنگ علیه نیروهای متجاوز عراق و دفاع از مردم به شهادت رسید افشاگر و مجاهدی است که او را در هنگامه دفاع از تعلقانی حنیف دستگیر ساخت و بر بدنتش ضریات شلاق رانداخته بودند، هم‌اونه که در این شرایط حساس نیز هر روز به چادرهای تعاونی و امدادی هم‌زمانش هجوم آورده و آنها را مصوب و مجروح ساخت و دستگیر می‌نماید که تاکنون فقط ۵ نفر به خاطر اصابت گلوله مجروح شده‌اند.

ما با شهیدای اخیرمان که در دفاع از مردم جان باختند تجدید عهد می‌کنیم و خلق قهرمان را با صداهای مجاهدی که مصمندان نابردم از مردمی فشارها و تضییقات و امکانات محدود با تمام نیرو دفاع از مردم بپردازند تسلی می‌دهیم. و از مقامات مسئول می‌خواهیم که با پایان بخشیدن به تبلیغات کذب و اتهامات مفرضانه و اقدامات ایدئاتی و رتاجعی زمینیه وحدت و همگامی کلیه نیروها را علیه نیروهای متجاوز فراهم نمایند و از افراد و گروهای که یا داعیه‌ی دل‌سوزی و مردم‌گرایی مارا متناقض و آمریکاگشی و مدهست دولت بعث می‌دانند می‌خواهیم اگر واقعا صدقاتی در کار است و بین فشارهایی که بر ما وارد می‌شود و سخنهای آنها را طعنه‌ی نیست، آنها نیز ضمن خواستار مسلح شدن ما با فراهم ساختن امکانات تبلیغاتی و تدارکاتی زمینیه فعالیت هرچه گسترده‌تر ما را فراهم سازند. مجاهدین خلق ایران - شاخه خوزستان.

۵۹/آبان/۴

اندازد و آمریکا را با بحران‌های وحشتناک اقتصادی روبرو می‌کند و بالاخره این که با آگاهی و نینداری روسفکوران سراسر جهان و مردم آمریکا روحیه‌ی مخالفت با جنگ در درون آمریکا رشد می‌کند و حاکمیت دولت امپریالیستی را در درون خود آمریکا مورد تهدید قرار می‌دهد و آمریکا با کمال خفتن به شکست می‌دهد.

## مهمترین درس از مقاومت‌های قهرمانانه خونین شهر و آبادان

کوچک و علی‌الظاهر ضعف و بر از نقاط ضعف ولی در همان آغاز به دلیل ماهیت امپریالیستی دولت آمریکا سیم حاکم دارای شکاف‌هایی است و به هیچ وجه یک پارچه نیست شکاف‌هایی که در طول جنگ به تدریج عمیق‌تر شده آمریکا را مجبور به عقب‌نشینی می‌کند. از آن سواز آنجا که مقاومت خلق ویتنام عادلانه و به نفع رزمندگان است، نیروهای به‌رستی‌کننده با آگاه کردن هرچه بیشتر مردم آنها را به ضرورت جنگ عادلانه برای رهائی و استقلال معتقد کرده و سپس آنها را تسلیح و سلاح سازمان‌دهی کرده تا صوفی که هر روز گسترده‌ی می‌شود به هر چه یک جنگ توده‌ای دراز مدت صادر می‌شود و جنس است که در طول نبرد تعداد و شکاف‌های صقول دشمن امپریالیست عمیق‌تر می‌شود و نضادهای صقول خلق به وحدت و سرزدگی گرایش پیدا کرده و ضعف‌ها بر طرف می‌گردد امروزه جامعه‌ی ما در سرب یک تو راهی سرنوشت‌ساز قرار دارد، یکی کام زدن در مسیر و اسکی مجدد به امپریالیزم برای حل گوناگ مدت مشکلات اقتصادی و نظامی ما شیوه‌ی سرمایه‌داری (آن هم در گذر و استسکی) و دیگری راه تسلیح و سازمان دادن و تسلیح خلق با الهام از دیدگاه ضد استعماری توحیدی، درست به همین دلیل درک صحیح مفهوم تکیه بر توده‌ها بسیار ضروری است. مسافه یکی از جناح‌های حاکم برای حل مسائل به دلیل دیدگاه سرمایه‌داری‌اش اساساً "کاری توده‌ها ندارد و برای حل مشکلات خویش عمدتاً به ارتش کلاسیک و مدیریت به مفهوم سرمایه‌داری آن تکیه دارد. ولی جناح‌های دیگر هم هر چند دم از تسلیح توده می‌زنند ولی یا معنی این حرف را نمی‌دانند و یا به نفعشان نیست که بدانند.

از طرف دیگر شرایط ویژه‌ی مبارزات ضد دیکتاتوری خلق ما که در اوج خود نیاز به سازمان یافتگی و به مفهوم عملی کلمه را پیدا نکرد ما تمام آثار مثبت غیر قابل انکار آن، به دلیل بهره‌برداری‌های غلط ارتجاعی یک توهم خطرناک را نیز دامن زد. و آن این که گوئی چون انقلاب ما اسلامی است بر عکس تمام انقلاب‌ها نیاز به تسلیحات و سازمان - یافتگی ندارد. مثلاً "همین‌ساله‌ی تکیه بر شعار مقدس و اسلامی اللماکر که واقعا در زمندی برقراری وحدت و مبارزات ضد دیکتاتوری نقش آن را به وضوح دیدیم در برخی از موارد تکیه بر آن چنان با شیوه‌های غلط و غیر اسلامی انجام می‌شود که اهمیت آن را عملاً "لوت می‌کند، در این دیدگاه چنین وانمود می‌شود که ما به دلیل انکار به شعار اللماکر دیگر مطلقاً به قوانین و وسائل که سایر خلق‌ها برای پیروزی نیاز داشتند احتیاجی نداریم. مروحین چنین طرز تفکری شاید نمی‌دانند که اگر هر چیز را به جای خود قرار ندهیم و

نرخه نکنیم که الله اکبر به عنوان یک شعار اصلی ایدئولوژیک جای خود دارد و سلاح سازمان یافتگی نیز جای خود، مسکن است توده‌ها را در میدان نبرد سرخورده کنیم به طوری که آنها خدای کرده اعتمادشان را به ناسیبات شکفت انگیز ایدئولوژی و تحرک‌بخش شعار الله اکبر نیز دست دهند.

بهر حال هم چنان که گفتیم وزندای که در تعادل قوا کفای خلق‌ها را به زبان امپریالیست‌ها سنگین می‌کند حضور توده‌های آگاه سازمان - یافته و مسلح به عنوان بشوندی لایزالی است که بیوسته جای ضریات را بر می‌کند و استوارتر می‌گردد. حال مینیمم جزا بر عنصر است و سازمان یافتگی این چنین تکیه می‌کنیم: ۱- اساساً نظم و شکل نیروها در هر کاری نتایج "کفیت" متفاوت سازمان می‌آورد چرا که با یک مثال ساده نیروهای غیرسازمان یافته مانند سده زبازی "برداز" هستند که به دلیل یکسو نبودن در نهایت برآمد آنها چه سازمان‌دیکتاتور خواهند بود.

۲- در نبرد توده‌ی طولانی مدت برای این که مردم را مستمرا در میدان نبرد حفظ کنیم باید بتوانیم به سرعت صف آگاه کردن آنها از سواز و تسلیح‌های جنگ با حربه‌ی آموزشی از شکست‌ها جلوی سرچوردن، خسته شدن و مایوس گردیدن آنها را بگیریم. فقط در این صورت است که مردم خود را در عمل نوبر می‌بینند و حاضرند برای آرمان‌های آزادی‌خواهانه و ساحس جامعه‌ی بهتر به سوز ادامه دهند فقط در این صورت است که آنها در عمل جوهرانه‌ی زندگی مردمی می‌خورند. هر فردی ای‌کمی در دست‌انگشت‌ها و دست‌افشان خواهد شد، و بهر حال این تکیه‌مانند ولی فقط و فقط نیروهای می‌توانند رزمندگان را برای سال‌های طولانی در یک نبرد رهائی بخش مشکل کرده و هدایت نمایند که اولاً: به لحاظ ایدئولوژیک عمقاً: به دیدگاه ضد استعماری مسلح باشند. توده‌های زحمکش مردم که بالقوه دشمن استعمار و به هر شکل و بهر اندازه هستند، فقط و فقط می‌توانند اعتماد خود را برای مدت طولانی به چنین نیروهای حفظ کنند تا نیا: در این تسلیح و سازمان - دهی باید تمام نیروهای دادامپریالیست به کار گرفت شود و در غیر این صورت به دلیل فقدان تسلیح مایمی خلق به عنوان سرمایه‌ی اصلی مبارزه، بیروزی نهایی مدست خواهد آمد. و همین حالت که می‌بینیم ادعای تکیه بر توده‌ها جندرا با انحصارطلبی و تفرقه‌افکنی میانیت دارد! آنها که جز خودشان را نمی‌توانند ببینند و با هر کس فقط وقتی دنباله‌رو آنها شود کنار می‌آیند بدون شک نتوانند تکیه بر توده‌ها را در حالت تسلیح نگاه دارند. آری هر چند جنگ قلبی ما با

عراق به دلیل تحمیلی بودن آن و ماهیت انحرافی‌اش که نیروهای عظیم خلق را از مسیر مبارزه‌ی ضد امپریالیستی دور می‌کند و گناه اصلی آن به گردن استبداد یعنی حاکم بر عراق انقلابی از آن استقبال کند (اگر چه توده‌های خلق بر علیه آن نتایجانه در کنار مردم می‌جنگند) ولی تفاوت مردم و نیروهای مردمی در خرمشهر و آبادان این درس را به ما آموخت، درسی که اگر خوب بدان بوجه کنیم ما را یاری خواهد کرد تا در صحنه‌ی اصلی نبرد یعنی بیگار بر علیه امپریالیزم به سرکردگی آمریکا نیز پیروزی نهایی را بدست آوریم. و آن این که جنگ عادلانه ما بر علیه امپریالیزم و با انکار اصلی به ارتش خلق یعنی ارتش زحمت‌کشان خلق سازمان یافته و مسلح اساسی‌ترین پشتوانه‌ی پیروزی است.

ان الله یحب ال الذین یقاتلون فی سبیله صفا کاتم بیان مروض .

# زمان و شکل بررسی مسئله گروگانها

خود را نشان می‌دهد دیگر نایستی تاثیر این شرایط را انکار نمود. بویژه موقعی که تصمیم گرفته می‌شود که مسالهای مثل تصرف جاسوخانی آمریکا و سرنوشت گروگانها که در عرض یکسال گذشته ساند به سایه تمامی سیاست‌های خارجی و داخلی ایران و در خیلی موارد در رأس مسائل سیاسی تراز داشته و تمامی مردم ایران نیز خود را در آن شریک و سهیم می‌دانستند در حلسات غیر علمتی و بدور از اطلاع مردم بحث و بررسی گردد.

## پیشنهاد مجاهدین خلق ایران به مجلس، مبنی بر به تعویق انداختن بررسی مسئله گروگانها

بسم اللہ الرحمن الرحیم حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجلس

محترماً "باتوجه به این که بررسی مسالهی گروگانها در دستور کار جاری مجلس قرار دارد، بدین وسیله پیشنهاد می‌شود که با در نظر گرفتن شرایط سیاسی کنونی برای قرار داشتن کشور در شرایط جنگ و نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، طرح و بررسی مسالهی گروگانها در مجلس تا اوضاع و احوال سیاسی جدیدی (حداقل تا پس از انتخابات آمریکا) به تعویق بیفتد. چرا که مسالهی گروگانها در این شرایط خاص می‌تواند این شبهه را تداعی کند که گویا مجلس تحت فشارهای بین‌المللی و فشار جنگ (که آمریکا در صدد بهره‌برداری از آن است) به مثابه یک اعطاف و نرمش در برابر آمریکا به این بررسی تن داده است. به خصوص که از هم‌اکنون نیز ارگان‌های تبلیغاتی غربی با توجه به مطرح بودن مسالهی گروگانها چنین تبلیغات سوئی را علیه جمهوری اسلامی شروع کرده‌اند.

روپوشت به: کمیسیون ویژه مجلس برای بررسی مسالهی گروگانها مطبوعات و خبرگزاریها

## اعتراض سازمان مجاهدین خلق ایران نسبت به بررسی غیر علنی مسئله گروگانها در مجلس

بدنام‌خدا بطوریکه عموم هموطنان مبارز اطلاع دارند در تاریخ ۵۹/۸/۲ سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن تلگرافی به ریاست مجلس پیشنهاد کرد که با توجه به شرایط سیاسی روز یعنی قراردادن کشور در شرایط جنگ و نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بررسی مسالهی گروگانها در مجلس تا شرایط سیاسی جدیدی و حداقل تا بعد از انتخابات آمریکا به تعویق افتد تا چنین گمانی پیش نیاید که مجلس زیر فشار جنگ و فشار آمریکا در آستانه‌ی انتخابات و من‌باب ابراز نرمش در برابر آمریکا مجبور به بررسی مسالهی گروگانها در این شرایط شده‌است. که متأسفانه به این پیشنهاد ترتیب اثری داده نشد و حتی ریاست مجلس آن را به اطلاع نمایندگان نیز نرسانید. و تعجب‌آورتر اینکه مجلس تصمیم گرفت مسالهی گروگانها را در جلسه‌ی غیرعلنی بررسی نماید و معلوم نیست که در رابطه با گروگانها چه مسالهی یا مسائلی وجود دارد که می‌بایست بصورت غیر علنی مطرح شود و مردم در جریان آن قرار نگیرند. آیا سروا سراری در رابطه با مسالهی گروگانها وجود دارد؟ و با اینکه مطالب و نظراتی در این رابطه ممکن است از طرف بعضی نمایندگان ابراز شود که صلاح نیست به گوش مردم برسد!؟ و معلوم است که در رابطه با آمریکا و آنهم در شرایط کنونی کشور اگر چنین مطالبی وجود داشته باشد از چه قماش خواهد بود چرا که مجلس هیچوقت برای اظهار و بیان نظرات مبارزه‌جویانه در برابر آمریکا به جلسدی غیرعلنی نیازی ندیده است.

سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن اعتراض نسبت به این تصمیم درخواست می‌نماید که کلهی مسائل و مطالبی که در رابطه با گروگانها در مجلس اظهار و بررسی می‌شود تماماً به اطلاع عموم مردم برسد، چرا که اگر گروگانگیری تبعات و تاوان و فشاری داشته این تمام مردم هستند که آن را تحمیل کرده‌اند و باز هم خواهند کرد و تاکنون نیز اکثر مقامات به اعتبار راهبیمایی‌های ملیونی مردم در حمایت از موضع‌گیریهای ضد-امپریالیستی بارها اعلام کرده‌اند که مسالهی گروگانها امری است که به تمامی ملت تعلق دارد. حال مگر چه پیش آمده که مردم حق ندارند در جریان مساحات و تصمیم‌گیری نمایندگان در مورد گروگانها قرار گیرند؟ به اعتقاد ما مردم حق دارند که از کلهی مسائل ریز و درشتی که در رابطه با گروگانها مطرح می‌شود و از موضع‌گیریهای مخفی نمایندگان مجلس در قبال آن کاملاً مطلع شوند و در این رابطه هیچ چیز پنهان‌گردنی از مردم وجود ندارد.

در ضمن از آنجا که ممکن است "احتمال سوءاستفاده‌ی آمریکا و کارتر" علت این تصمیم قلمداد شود، نکته روشن است که این در واقع عذر بدتر از گناه خواهد بود چرا که آمریکا و کارتر در شرایط کنونی و در رابطه با گروگانها فقط از مطالب و مواضع سازشکارانه می‌توانند استفاده کنند که امیدواریم چنین مواضع و مطالبی در مجلس وجود نداشته باشد. در خاتمه بازم امیدواریم که هیچ مطلب و نکته‌ای در رابطه با گروگانها برای مردم پنهان و ناگفته نماند چرا که چنین روشی جز اینکه بدگمانی‌ها را دامن بزند نتیجه‌ای نداشته و موجب خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی نسبت به مجلس و نمایندگان می‌گردد.

مجاهدین خلق ایران ۵۹/۸/۵

# بیانیه مجاهدین خلق در رابطه با تجاوز عراق

تک تک نیروهای خلق را برای دفاع از مردم و میهن محترم شمرده و عملاً نیز اسباب مشارکت هندی اقلتار خلق را در مقابل ما تجاوز فراهم نماید. ثانیاً در شرایطی که جامعه به طور چشمگیری از روحیه دفاع و مقاومت برخوردار است بایستی برای رفع تجاوز اساساً به نیروهای توده‌ی مردم اتکا نمود و از هیچ گونه اقدامی در جهت بسیج و سازمان - دهی مقاومت تمام خلق دریغ نوزید، چرا که تنها با اتکا به نیروی لایزال توده‌ی مردم و بسیج و سازماندهی آنهاست که می‌توان هرچه بیشتر از امپریالیست‌ها بی‌نیاز شده و آنها را از بی‌گیری نقشه‌ها و توطئه‌های خود مایوس نمود بدینوسیله است که این بسیج و سازمان دادن توده‌های مردم تنها کار گرد نظامی نداشته و برای مقابله با آثار و بی‌آدمی‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ سیرانقلابی‌ترین و موثرترین حربه می‌باشد.

ثالثاً بایستی برای پیشبرد امر بسیج و سازماندهی و تسلیح توده‌های مردم و استفاده صحیح و انقلابی از تمامی انرژی و پتانسیل انقلابی آنها به شیوه‌ی تشکیل شوراهای مردمی اتکا نمود. بدین معنی که در هر واحد اقتصادی و اجتماعی از قبیل کارخانه‌ها و مزارع و مدارس و محلات و ادارات شورای مربوط به آن واحد را با شیوه‌های کاملاً دموکراتیک و به دست خودشان تشکیل داده و در جهت انجام وظایف خودشان سمت داد. طبیعی است که هرگونه اعمال فشار و حرکت فرقه - گرایانه و انحصارطلبانه در این مسیر نهایتاً به ضد خودش تبدیل شده و مردم را از مشارکت فعال و دلسوزانه در امور باز خواهد داشت.



رابعاً، با توجه به نقش توده‌ی مردم در تعیین سرنوشت جنگ و کلاً کشور بدینوسیله است با تمام مردم از کلهی وقایع، رویدادها و مسائل در کلهی زمینه‌ها اعم از نظامی، سیاسی و اقتصادی به طور واقعی مطلع شده و در جریان امور قرار بگیرند. هرگونه تضییق در این زمینه و بی‌خبر گذاشتن مردم و یا احیاناً منعکس کردن درست و غلطی باعث لطمه خوردن بر اعتماد عمومی و گسترش جو بدبینی و سوء ظن شده و توده‌ها را به سمت انفعال و بی‌تفاوتی سوق خواهد داد. در همین رابطه ملت ایران حق دارد که از هرگونه قراردادی که از قبل (دورودی شاه) وجود داشته و یا جدیداً منعقد می‌گردد (در هر زمینه خصوصاً در زمینه نظامی) با خبر شود.

خامساً، بازم هرگونه تفرقه افکنی و جلوگیری از مشارکت و فعالیت نیروها و هرگونه کوشش برای بهره‌برداری‌های وابستگی‌یافته از جنگ را محکوم نموده و مجدداً یادآور می‌شویم که کشور و انقلاب ما اکنون یکی از آزمایشات و مراحل حساس و سرنوشت ساز خود را می‌گذراند. و بدینوسیله است که هرگونه جرحش به سمت دشمنان خلق و در رأس آن امپریالیسم جنایتکار آمریکا و هر حرکت سازشکارانه‌ی خیانت به خلق و انقلاب ایران محسوب شده و روشن است که مردم و نیروهای انقلابی میهن ما هرگز چنین اجارهای را به هیچ کسی نخواهند داد و امیدواریم که به این ترتیب و با رعایت نکات مذکور مقاومت عادلانه‌ی خلق علیه تجاوز عراق زمینه‌ساز تکوین ارتش خلق و سرمایه و پشتوانه‌ی برای مقاومت در برابر توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا و هرگونه سازش امپریالیستی گردد.

در خاتمه بازم یادآوری می‌کنیم که با توضیحاتی که در مورد مواضع و اهداف امپریالیسم آمریکا و خطری که در شرایط کنونی کشور ما را تهدید می‌کند، داده شد، نیروهای انقلابی نیز در این شرایط با موقعیت پیچیده و وظایف مهمی روبه‌رو می‌باشند. این نیروها باید در عین این که با محکوم نمودن دعوی ارتجاعی توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه رژیم بعثی عراق به دفاع از میهن و مردم بر می‌خیزند نسبت به تحولات اوضاع و بی‌آدمی‌های جنگ نیز کاملاً هشیار بوده و با درک خطری که انقلاب ما را تهدید می‌کند با تمام توان از تحقق آن جلوگیری نمایند.

(آمریکا) مطابق تجارب حاصل از چنین جنگهایی حداقل یکی از طرفین را در نهایت مجبور به حرکت به سمت سازش با امپریالیسم آمریکا می - بیند. و کاملاً قابل درک بود که آمریکا بعنوان طرفی که در نهایت به چنین چرخشی و تسلیمی مجبور شود به ایران چشم دوخته است.

طرفی که در نهایت به چنین چرخش و تسلیمی مجبور شود به ایران چشم دوخته است و بی‌جهت نبود که آقای کارتر در همان روزهای اول جنگ اظهار امیدواری می‌کرد که جنگ ایران را بر سر عقل بیاورد. و بدینوسیله است که آمریکا تا سرعقل آمدن ایران از ادامه‌ی جنگ نیز خشنود باشد. اگرچه طالب گسترش دامنه‌ی جنگ نیست چرا که این گسترش ممکن است غیر قابل کنترل شده و خطراتی را متوجه امنیت خلیج فارس و قدرت‌های وابسته آمریکا در این منطقه‌ی تأمین نفت و راه عبور آن نموده و اقتصاد جهان سرمایه‌داری را دچار اختلال کند. همچنین می‌توان گفت که آمریکا هنوز از منافع استراتژیک خود در ایران مایوس نشده و امیدوار است که ایران را با حفظ یکپارچگی و تمامیت آن مجدداً "در زمره‌ی ممالک وابسته به خویش درآورد. آمریکا امیدوار است که جنگ و تداوم آن به صورت محدود و احیاناً فرسایشی ایران را دچار تنگناهای نظامی و اقتصادی بکند و از آنجا که سیستم نظامی و پایه‌های اقتصادی ایران در رژیم شاه در وابستگی به غرب شکل گرفته است، این تنگناها و در درجه‌ی اول تأمین وسایل یدکی و مهمات جنگافزارهای ارتش ایران، این کشور را با لاجبار متوجه غرب و آمریکا بکند، توجهی که در ادامه‌ی خود و برای جریان تلفات و صدمات اقتصادی و صنعتی نیز پیوسته بیشتر شده و از همان ابتدا با دادن امتیازات سیاسی نیز ملازم خواهد بود و بدینوسیله است که مهم‌ترین امتیازی که فعلاً "در این روند سازش و وابستگی مد نظر آمریکا می‌باشد، آزادی گروگان‌های آمریکایی است. همچنین نباید این نکته را از نظر دور داشت که آمریکا به علت انزجار و نفرتی که مردم ما از آن دارند در تحقق روند وابستگی از هم‌پیمانان و کشورهای وابسته به خود و حتی دلال‌های بین‌المللی در مراحل مختلف این جریان استفاده کند. در این میان به‌خصوص باید روی نقش اروپای غربی و ژاپن به عنوان واسطه‌های وابستگی ایران به امپریالیسم جهان‌خوار به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به‌خصوص در مراحل آتی و به صورت رفع نیازمندی‌های صنعتی و اقتصادی ایران توجه نمود.

مهم‌ترین امتیازی که فعلاً در این روند سازش و وابستگی مد نظر آمریکا می‌باشد، آزادی گروگان‌های آمریکایی است.

آمریکا همچنین امیدوار است که جریان جنگ و ادامه‌ی آن موجب تحولاتی در بافت هیئت حاکمه‌ی ایران و ارگان‌ها و نهادهای اجرائی چه نظامی و چه غیر نظامی در جهت سطوب امپریالیسم شود. بنابراین می‌بینیم که این جنگ و نحوه‌ی خروج از آن بزرگترین آزمایشی است که رژیم جمهوری اسلامی در مسیر موجودیت و حرکت خود با آن مواجه شده‌است. آزمایشی که نشان خواهد داد که آیا جمهوری اسلامی ایران در مسیر رهائی از سلطه‌ی امپریالیسم پیش خواهد رفت یا خدای نکرده با چرخش به سمت آمریکا و تن دادن به تسلیم و سازش مجدداً به اسارت کامل امپریالیسم درآمده و خون دهها هزار شهید را پایمال خواهد نمود و همین مساله است که در این مقطع بیشترین نگرانی نیروهای انقلابی و مردمی را بر می‌انگیزد.

در چنین شرایطی به نظر ما برای مقابله با توطئه‌ها و ملامت امپریالیستی در جریان جنگ بایستی اولاً "فکای سیاسی وحدت‌گرایانه‌ی را در بین همه‌ی نیروهای مردمی ایجاد نمود، فکائی که حق مشروع

## زندانی سیاسی در بجهت جنگ مقاومت

خلق قهرمان ایران با اصطلاح "زندانی سیاسی" دهها سال است که بخوبی آشنایی دارد. رژیم شاه خاش برای استقرار نظام طالبانه‌ی خود بالاچار زندانیان را از مخالفین سیاسی خود بر کرده بود. هنگام تلاش برای سرنگونی رژیم شاه زندانیان سیاسی دسته دسته به هم خلق از زندان آزاد شده و به دربار خروشان خشم و انقلاب مردم بیوسند و در آسایش سرنگونی نهایی شاه در زندانها بروی زندانیان توسط مردم گشوده شد. انتظار می‌رفت که دیگر انقلاب ما و میهن ما، تا حد رحمت به شرایط اخناق‌آمیزی که احتیاج به زندان سیاسی دارد نباشد. ولی متأسفانه از روزهای اول انقلاب برای اعمال سیاست‌های انحصارطلبانه به ناچار مسالهای به نام "زندانی سیاسی" موجودیت یافت.

## کشتار مردم بی دفاع کرمانشاه و دزفول

حالات موشکی و مسماران‌های وحشیانه‌ی عراق بر مناطق مسکونی به ویژه شهرهای دزفول، کرمانشاه، اهواز و ... تاکنون صدها تن از هم‌میهمان بی‌گناه ما را به خاک و خون کشیده است. چنین وحشی‌گری‌هایی تجاوزات عراق را ابعاد ضد انسانی بسیار گسترده‌تری بخشیده است، اگر چه مهاجمین یعنی در اساس به خاطر هجوم مسلحانه و اشغال قسمت‌هایی از خاک میهن ما محکوم‌اند لکن کشتار مردم غیرنظامی و بی‌دفاع ما توسط عراق که از بارزترین مصادیق جنایات جنگی است به مراتب رذیله‌ناتر بوده و نتیجتاً رسوائی بیشتری را برای حکام بعثی به ارمغان آورده است. جنایاتی که حتی هیچ ارتش متجاوز هم نتواند آن را توجیه نموده و یا از آن دفاع نماید. مجاهدین خلق ایران در عین

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال دوم آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره‌ی ۶۴/۱۵۵۱